

## اطلاعیه حزب توده ایران درباره: ادامه پیکار دلیرانه مردم ایران و تلاش ماشین سرکوب رژیم جنایتکار ولایت فقیه برای خاموش کردن جنبش مردمی



ادامه در صفحه ۲

در شرایطی که جنبش اعتراضی توده ها در بسیاری از شهرهای کشور ادامه دارد، سخنگویان رژیم استبدادی حاکم در روزهای اخیر اعلام کرده اند که برای ۱۰۰۰ تن از بازداشت شدگان کیفرخواست صادر شده و و محاکمه آن ها بزودی در "دادگاه های انقلاب" آغاز خواهد شد. بر اساس گزارش رسانه های گروهی تاکنون ۱۴۰۰۰ تن در جریان تظاهرات مردمی در شهرهای مختلف دستگیر شده اند و در زندان های تحت فشار قرار دارند.

# نامه مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۱۱۶۸، ۱۶ آبان ۱۴۰۱  
دوره هشتم، سال سی و نه

### بن بست حکومت ولایتی و ضرورت همکاری سیاسی برای ارتقای مبارزه ضد دیکتاتوری

\* گزارشی از برگزاری موفق نشست سالانه حزب های کمونیست و کارگری جهان  
\* سخنرانی نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران در بیست و دومین نشست بین المللی حزب های کمونیست و کارگری جهان  
\* افق ما هنوز سوسیالیسم است: متن کامل سخنرانی میگل دیاز کانل برمودز، دبیر اول حزب کمونیست و رئیس جمهور کوبا در صفحات ۷ تا ۹

### حکومت ایران ضد امپریالیست نیست

مصاحبه نشریه *Unsere Zeit* (عصر ما)، نشریه هفتگی حزب کمونیست آلمان، با رفیق محمد امیدوار، سخنگو و عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران

س: اعتراض های اخیر در ایران به سرعت از واکنش به قتل مهسا امینی، به نارضایتی از وضعیت عمومی زنان در کشور شما تغییر کرد. لطفا توضیح مختصری درباره وضعیت جاری بدهید. علاوه بر موضوع حجاب اجباری، دیگر محدودیت های حقوق زنان در ایران چیست؟  
ج: نخست، اجازه دهید از این فرصت استفاده کنم و از حزب کمونیست آلمان و رفقای آلمانی مان برای ابراز همبستگی با مردم ایران و حزب ما، که سابقه بیش از ۸۰ ساله دارد، تشکر کنم. بسیار سپاسگزار این ابراز همبستگی انترناسیونالیستی پرولتری شما هستیم.

برای درک ریشه و علت های خیزش کنونی علیه رژیم ارتجاعی حاکم بر ایران، توجه به این موضوع ضروری است که طی دو سال گذشته، در ایران شاهد اعتراض ها و ناآرامی های اجتماعی فزاینده ای بوده ایم: از اعتصاب های فزاینده کارگری در صنایع متعدد (که برجسته ترین آنها اعتصاب طولانی کارگران در مجتمع صنعتی نیشکر هفت تپه در شوش، اعتصاب کارگران شرکت تولید تجهیزات سنگین "هپکو" در اراک، و اعتصاب های هزاران کارگر قراردادی در صنایع نفت و پتروشیمی)، تا اعتصاب ها و اعتراض های معلمان و فرهنگیان تقریباً در همه شهرهای ایران و اعتراض های ده ها

ادامه در صفحه ۳

تحولات هفته های اخیر در ایران حکایت از آن دارد که حکومت ولایتی در مواجهه با جنبش اجتماعی-سیاسی گسترش یابنده کنونی با چالش های بزرگی روبه رو شده و راهی برای خاموش کردن آتش اعتراض های مردمی نیافته است. سرکوب های وحشیانه معترضان و تلاش مذبحخانه دستگاه امنیتی-رسانه ای جمهوری اسلامی، تاکنون، برای تغییر اوضاع به نفع رژیم کم اثر بوده است. همین واقعیت نشان می دهد که به موازات ادامه جان فشانی های مردم و مبارزه فراگیر کنونی، در صورت سازمان دهی بهتر و تقویت جنبش اعتراضی جاری، نهایتاً می توان مقابله با دستگاه سرکوب را تداوم داد بلکه می توان میدان مبارزه را گام به گام وسیع تر کرد و دیکتاتوری را به عقب راند و از قدرت برکنار کرد.

بیانیه تهدیدآمیز مشترک وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی و سازمان اطلاعات سپاه پاسداران در روز ۶ آبان، و تحلیل بی مایه و تکراری این دو نهاد سرکوبگر در نسبت دادن

ادامه در صفحه ۶

ضمیمه کارگری  
«نامه مردم»،  
شماره ۶۵  
منتشر شد

اراده شکست ناپذیر و مبارزه پیگیر مردم ستم دیده ایران ۴ ص  
تشدید فقر و محرومیت در روستاهای کشور ۵ ص  
همبستگی فعال جنبش کارگری کمونیستی در کشورهای جهان با مبارزه مردم ایران برای عدالت، آزادی و دموکراسی ۱۱ ص  
جنگ های حجاب در هند و ایران: مسئله خودمختاری زنان ۱۲ ص  
کنگره حزب کمونیست چین: چین از این پس قانون نیروی کار ارزان برای جهان سرمایه داری نخواهد بود ۱۶ ص

## با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و برپایی جمهوری ملی و دموکراتیک!

## ادامه اطلاعیه حزب توده ایران درباره ...

دانشجویان، در کنار فعالان جنبش مدنی، در کنار فعالان صنفی و کارگری، و در کنار کارگران و زحمتکشان کشور در مبارزه‌شان بر ضد حکومت استبدادی حاکم ایستاده است. حزب توده ایران معتقد است که این جنبش اصیل مردمی سرانجام خواهد توانست بر همه دشواری‌های پیش رو غلبه کند و به سمت استقرار آزادی، عدالت اجتماعی، و مقابله با مداخله امپریالیسم و تامین اراده خلق ما برای برپایی حکومتی ملی و دموکراتیک راه را بگشاید. برای تحقق این مهم باید همه تلاش‌ها را به جانب اتحاد عمل و همکاری سازمان یافته و گسترده همه قشرهای اجتماعی یعنی کارگران و زحمتکشان، معلمان و بازنشستگان و دانشجویان و جوانان کشور و آماده کردن شرایط برای اعتصاب عمومی در کشور و فلج کردن چرخ‌های حکومت فاسد و ضد مردمی حاکم متوجه کرد.

همراه با مردم مبارز و هوشیار میهن‌مان،  
ما خواهان آزادی فوری و بدون قیدوشرط همه زندانیان سیاسی، صنفی، و عقیدتی هستیم!

ما خواهان گسترش همبستگی بین المللی با جنبش مردم ایران و سازماندهی کارزار جهانی برای آزادی بازداشت شدگان هفته های اخیر در ایران هستیم!

ما خواهان پایان دادن به موج سرکوب خشن و خونین اعتراض‌های مردم جان به لب رسیده هستیم!

ما خواهان تشکیل کمیته حقیقت یاب، زیر نظر شورای حقوق بشر سازمان ملل، برای رسیدگی به تمامی جنایات‌های اخیر و سرکوب وحشیانه و حیوانی رژیم هستیم!

پیش به سوی تدارک و سازماندهی اعتصاب‌های کارگری و اعتصاب عمومی!

درد پرشور بر مبارزه دلیرانه مردم میهن ما!

حزب توده ایران  
۱۲ آبان‌ماه ۱۴۰۱

## ایکاش

ایکاش مهسا بودم

ایکاش نیکا بودم

ایکاش آسرا بودم

ایکاش

ایکاش آن دختری بودم

که به بادها

روسی چرخاند

به تفنگ‌ها زبان سرخ:

دیگر از چه بترسم من؟ نمی‌ترسم

”به مادرم بگویند

دیگر دختر ندارد.“

\*\*\*

بیارید ای رگبار ابرها

بیارید

برمن مهساها، نیکاها، آسراها

برمن ایکاش‌های سینه‌های تشنه‌ما

بیارید

برمن آن دختری که فریاد کشید:

”به مادرم بگویند

دیگر

دختر

ندارد.“

روزبه

چهارم مهسا، چهارم آبان ۱۴۰۱

بر اساس گزارش‌های رسیده از ایران، روز پنجشنبه ۱۲ آبان‌ماه ۱۴۰۱ مراسم برگزاری چهلم قربانیان اعتراض‌های سراسری‌ای که از ۲۶ شهریورماه امسال شروع شده است در بسیاری از شهرهای کشور از جمله در کرج، اصفهان، اراک و با حضور شمار زیادی از مردم مبارز میهن ما برگزار شد. افزون بر این و برخلاف ادعای دستگاه‌های تبلیغاتی رژیم که اعتراض‌ها فروکش کرده‌اند، تظاهرات‌هایی خودجوش در ابعادی بسیار گسترده در نقاط مختلف تهران و دیگر شهرهای بزرگ از جمله در تبریز، شیراز، رشت، و شهرهای مناطق کردنشین کشور در اعتراض به جنایات‌های رژیم و ولایت فقیه و تأکید بر خواست آزادی و رهایی از زنجیرهای حکومت قرون‌وسطایی حاکم صورت گرفت.

در روزهای اخیر همچنین تلاش‌های دستگاه‌های امنیتی رژیم برای کنترل اوضاع به شدت وخیم کشور را شاهد بوده‌ایم. وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران رژیم روز ۶ آبان‌ماه ۱۴۰۱ بیانیه‌ای مشترک با عنوان: ”اولین بیانیه مشترک وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه پیرامون مداخلات رژیم آمریکا در اغتشاشات اخیر کشور“ صادر کردند. این بیانیه که در ادامه روند سناریوسازی‌های وزارت اطلاعات و صداوسیما رژیم و همکاران آن‌ها در خارج از کشور است، جنبش مردمی و فعالان اجتماعی و مدنی از جمله خبرنگاران، دانشجویان، و فعالان صنفی، کارگری، فرهنگی، و مدافعان حقوق بشر، و در کل هر فعالیتی آزادی‌خواهانه و عدالت‌طلبانه را به ارتباط با حکومت‌های خارجی و به خصوص آمریکا متهم کرده است تا بدین ترتیب با تفرقه‌افکنی در صف اعتراض‌های بحق مردم جان به لب رسیده میهن‌مان به‌روال سال‌های اخیر این جنبش را سرکوب و خاموش کند.

در همین راستا و هدف، دادستان عمومی و انقلاب تهران در روزهای اخیر طی اطلاعیه‌ای از صدور قرار مجرمیت و کیفرخواست برای بیش از ۳۱۵ تن از معترضان اخیر در تهران به‌انتهام ”اجتماع و تباہی به‌قصد اقدام علیه امنیت کشور“، ”فعالیت تبلیغی علیه نظام“، و ”اخلال در نظم عمومی“ خبر داده است. همچنین کانون نویسندگان ایران در اطلاعیه‌ای که روز ۱۱ آبان‌ماه منتشر شد از برگزاری ”دادگاه“ دو تن از اعضای سندیکای شرکت واحد: رضا شهبابی و حسن سعیدی خبر داد که در غیاب آنان تشکیل شده و هر یک را به ۶ سال حبس تعزیری و دو سال ممنوعیت سکونت در تهران و استان‌های هم‌جوار، ممنوعیت فعالیت در شبکه‌های مجازی، ممنوعیت عضویت در احزاب و خروج از کشور، محکوم کرده است. از اعضای کانون صنفی معلمان نیز رسول بدایقی به ۵ سال و شش ماه، جعفرابراهیمی به ۵ سال، و محمد حبیبی به ۴ سال و ۶ ماه حبس محکوم شده‌اند. در این میان، نخستین جلسه دادگاه کیوان مهتدی، نویسنده، مترجم، و عضو کانون نویسندگان ایران نیز برگزار شده است.

همزمان با این پیگرد و بازداشت‌های گسترده شاهد اعمال سرکوب خونین و خشن و اقدام‌های ضد انسانی یگان‌های ویژه نیروی انتظامی، بسیج، سپاه و لباس شخصی‌ها علیه مردم بی دفاع در کوچه و خیابان و مراکز آموزشی هستیم. چنین اقدام‌هایی بیرحمی و درنده‌خوبی ماشین سرکوب را آشکارتر از پیش به نمایش می‌گذارد. سرکوب توده‌های مردم در حالی به شدت جریان دارد که دولت ابراهیم رئیسی با ادامه اجرای جراحی اقتصادی یعنی آزاد سازی اقتصادی و خصوصی سازی موجب رشد تورم و تاراج باقیمانده دارایی مردم میهن ما به سود لایه‌های انکلی سرمایه داری و بنیادها، افراد و موسسات رانت خوار وابسته به سپاه و مجموعه حکومت است. ادامه مبارزه دلیرانه مردم بر ضد رژیم ولایت فقیه که وارد هشتمین هفته خود می‌شود، چالش‌هایی جدی در برابر حکومت فقها در ایران پدید آورده است. سرکوب خونین و کشتار صدها تن از هم‌میهنان و دستگیری هزاران تن معترضان، برپایی پیدادگاه‌هایی فرمایشی از سوی قوه قضائیه رژیم، قوه قضائیه‌ای غیرمستقل که خود بخشی جداناپذیر از ماشین سرکوب حکومتی است، و به‌راه انداختن شوهایی مشمئزکننده تلویزیونی از قربانیان شکنجه که ما در روزهای اخیر آخرین نمونه آن در مورد توماج صالحی (خواننده زپ) را شاهد بودیم، نشانه‌هایی روشن از این واقعاتند که مبارزه دلیرانه مردم میهن ما با شعار ”زن، زندگی، آزادی“ و در اعتراض به قتل مهسا امینی به‌وسیله گشت ارشاد آغاز شد و همچنان و بنا بر شعار دانشجویان مبارز راه آزادی: ”قسم به خون یاران، ایستاده‌ایم تا پایان“ ادامه یافته است. حزب توده ایران بار دیگر توطئه‌های دستگاه امنیتی رژیم بر ضد مبارزان راه آزادی را محکوم می‌کند و اعلام می‌دارد که در کنار جنبش مردمی میهن ما، در کنار زنان آزادی‌خواه و دلیر کشور، در کنار جوانان و

Nach dem Mord an Mahsa Amini im September entbrannten im Iran Proteste, die immer noch anhalten. Über deren Ursachen und die politische Bedeutung des Iran sprach UZ mit Mohammad Omidvar, dem Sprecher der Tudeh-Partei des Iran und Mitglied ihres Politbüros.

می‌دانیم. در ضمن، به نظر ما، امپریالیسم آمریکا و رهبران اتحادیه اروپا به هیچ وجه به فکر منافع مردم ایران نیستند. سیاست‌های آنها متوجه تحقق هدف‌های استراتژیک خودشان در منطقه است. تاریخ ایران، از جمله کودتای سال ۱۹۵۳/۱۳۳۲ "سی‌ای آمریکا و ام‌ای ۶" بریتانیا در ایران (با علامت‌دهی بی‌بی‌سی)، که دولت منتخب مردم دکتر مصدق را برانداخت و رژیم دست‌نشانده شاه را به قدرت بازگرداند. و سپس اعدام و زندانی شدن اعضای حزب توده ایران، نشان داده است که آنچه مطلوب امپریالیسم جهانی به سرکردگی امریکاست، وجود رژیم‌های دست‌نشانده است تا از طریق آنها کشورها را غارت کنند و برای پیشبرد هدف‌های سلطه‌جویانه خود، پایگاه‌های نظامی در منطقه برپا کنند.

**س:** افراد بسیاری هستند که ایران را - صرف نظر از رژیم حاکم در آنجا - پایگاهی برای مبارزه ضد امپریالیستی بین‌المللی با ناتو و اتحادیه اروپا و ایالات متحد آمریکا می‌دانند. در عین حال، می‌دانیم که نیروهای مترقی، از جمله اعضای حزب شما، در ایران سرکوب می‌شوند و مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرند. این وضعیت پیچیده را چگونه توضیح می‌دهید؟

**ج:** به نظر ما، حکومت کنونی ایران از دیدگاه طبقاتی نماینده منافع بورژوازی بزرگ تجاری و بوروکراتیک در چارچوب نظام سرمایه‌داری حاکم است. ساختار سیاسی این نظام سرمایه‌داری در ایران مبتنی بر "اسلام سیاسی" است که در آن ولی فقیه رژیم "نماینده خدا روی زمین" و بنابرین، به همین دلیل، [قدرت او] برتر و فراتر از همه قوانین و ساختارهای قانونی یا دولتی کشور است. در چهل سال گذشته، این حکومت برای پیشبرد هدف‌های منطقه‌ای و بین‌المللی خود از لفاظی‌های پوچ "ضد امپریالیستی" استفاده کرده است. شایان ذکر است که پیش از اعمال تحریم‌های گسترده علیه ایران، بیشتر تجارت ایران با "غرب" بوده است. در جریان جنگ امپریالیستی سال ۲۰۰۳ در عراق، ایران از آن تجاوز حمایت کرد و به جنگنده‌های آمریکا و ناتو اجازه داد که از فضای هوایی ایران استفاده کنند. حتی در اوج قدرت حکومت پس از انقلاب، حاکمان ایران مخفیانه با سرهنگ الیور نورت در تهران ملاقات و توافق کردند که به آمریکا در مبارزه با دولت ساندینیستی در نیکاراگوئه کمک کنند (رسوایی ایران کنترال ۱۳۶۵-۱۳۶۴). همچنین، شایان ذکر است که رهبران حکومت ایران تمایل خود را برای برقراری مجدد "امپراتوری اسلامی" در منطقه و فراتر از آن انکار نمی‌کنند. سیاست‌های این حکومت شامل حمایت از ارتجاعی‌ترین نیروهای منطقه است: از دخالت در عراق و حمایت از طالبان در افغانستان گرفته تا مداخله در برخی از جمهوری‌های شوروی سابق.

خلاصه اینکه حکومت ایران یک حکومت سرمایه‌داری ارتجاعی است که تنها علاقه‌اش ماندن در قدرت است. رهبران ایران نه به مفهوم امپریالیسم اعتقادی دارند و نه آن را می‌پذیرند و نشان داده‌اند که هر وقت لازم باشد، همدست ضد کمونیست راسخی برای "غرب" هستند. یورش به حزب ما در سال ۱۳۶۱/۱۹۸۳ با کمک سازمان‌های اطلاعاتی سیا [آمریکا] و ام‌ای ۶ [بریتانیا] و ام‌ای تی ترکیه صورت گرفت. در اواسط سال ۱۹۸۲/۱۳۶۱ دو مقام بالارتنیه حکومت ایران به اسلام‌آباد در پاکستان دعوت شدند و در آنجا با نمایندگان ام‌ای ۶ بریتانیا ملاقات کردند. نمایندگان ام‌ای ۶ کیف‌هایی حاوی اطلاعات ساختگی علیه تشکیلات و فعالیت‌های حزب توده ایران در ایران به آن نمایندگان رژیم ایران دادند. از آن اطلاعات برای پرونده‌سازی علیه حزب ما و یورش به آن در ۶ فوریه ۱۹۸۳ [۱۷ بهمن ۱۳۶۱] استفاده شد. روز بعد، روزنامه تایمز لندن در سرمقاله‌اش از سرکوب حزب توده ایران به دست حکومت ایران ابراز خشنودی کرد.

## ادامه حکومت ایران ضد امپریالیست ...

هزار نفر از بازنستگان ایران. علت اصلی این اعتراض‌های رو به گسترش یکی وخیم‌تر شدن وضعیت اقتصادی کشور در پی اجرای سیاست‌های نولیبرالی در حکومت ایران با حمایت و ستایش بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، و دیگری تحریم‌های جنایتکارانه آمریکا بوده است. بر اساس آمارهای رسمی دولت ایران، بیش از ۴۰٪ جمعیت کشور زیر خط فقر زندگی می‌کنند و میزان بیکاری، به‌ویژه در میان جوانان برخی از استان‌ها، تا ۷۰٪ است. فساد گسترده و بی‌سابقه در کنار سرکوب گسترده و بیش از پیش حقوق و آزادی‌های دموکراتیک مردم را نیز باید به همه این عوامل اضافه کرد. به‌ویژه پس از انتخابات تقلبی سال ۲۰۲۱/۱۴۰۰ و برگماری ابراهیم رئیسی، یکی از "قضات هیئت مرگ" در کشتار هزاران زندانی سیاسی در سال ۱۹۸۸/۱۳۶۷، به ریاست جمهوری، این فساد و سرکوب شدت یافت. صدها تن از رهبران و کادرهای حزب ما، شماری از نویسندگان، فعالان سندیکایی، و فعالان دانشجویی برجسته ایران در میان اعدام‌شدگان آن کشتار بودند. طی چهار دهه گذشته، غیرانسانی‌ترین رفتارها با زنان ایران شده است. مشابه همان رفتاری که حاکمان ارتجاعی عربستان سعودی و رژیم طالبان در افغانستان با زنان داشته‌اند و دارند، زنان ایران نیز از بنیادی‌ترین حقوق انسانی خود، از جمله حق کنترل بر بدن خود و حق انتخاب پوشش خود، محروم شده‌اند. برخی از موارد نقض حقوق زنان در ایران عبارت‌اند از:

- ♦ ازدواج: جمهوری اسلامی ایران در ابتدا سن ازدواج را برای دختران به ۹ سالگی کاهش داد. در سال ۲۰۰۲، مجلس ایران آن را به ۱۳ سالگی افزایش داد.
- ♦ طلاق: زن فقط با حکم قاضی دادگاه می‌تواند طلاق بگیرد، در حالی که مرد می‌تواند با اعلام شفاهی طلاق بگیرد.
- ♦ حق سرپرستی کودک: حق سرپرستی کودک [پس از طلاق] خودبه‌خود به شوهر یا خانواده‌اش داده می‌شود. زنی که از شوهرش طلاق گرفته است در صورت ازدواج مجدد حق سرپرستی کودکش را از دست می‌دهد، حتی اگر شوهرش فوت کرده باشد.
- ♦ سفر: زن متأهل بدون رضایت کتبی شوهر نمی‌تواند گذرنامه بگیرد یا به خارج از کشور سفر کند.
- ♦ ارث: زن بیوه بعد از فوت همسر یک هشتم دارایی است، اما مرد بیوه کل دارایی همسرش را به ارث می‌برد. دختر نصف پسر ارث می‌برد.
- ♦ شغل: اشتغال زنان به مشاغل قضایی [مانند قاضی] یا نامزدی برای ریاست جمهوری ممنوع است.
- ♦ جداسازی: از مدرسه گرفته تا دانشگاه، و همچنین در امور بهداشت و درمان، زنان از مردان جدا می‌شوند. در امر حفظ سلامت (دسترسی به پزشکان زن)، این جداسازی باعث ایجاد مشکلات بهداشتی جدی برای زنان، به‌ویژه در مناطق روستایی، شده است.
- ♦ بر کسی پوشیده نیست که بسیاری از رهبران مذهبی ایران در سال‌های اخیر زنان را "نصف مرد" توصیف کرده‌اند، زیرا به نظر آنها زنان "عقل" مردان را ندارند.

## س: زنان ایران به غیر از لغو حجاب اجباری چه خواسته‌های دیگری دارند؟

**ج:** زنان ایران خواستار رهایی از قوانین قرون وسطایی و ارتجاعی حکومت اسلام‌گرای ایران‌اند، که در عرصه‌های متعدد علیه زنان تبعیض قائل می‌شود، همان‌طور که در پاسخ‌های قبلی‌ام بیان کردم.

## س: نظرتان درباره بیانیه‌های همبستگی، به‌ویژه بیانیه‌های سیاستمداران زن اتحادیه اروپا، چیست؟ آیا این بیانیه‌ها به مبارزه در راه حقوق زنان در ایران کمکی می‌کنند؟

**ج:** از جانب حزب خودمان می‌توانم بگویم که ما ابراز همبستگی بین‌المللی حزب‌های کمونیست و کارگری و همه نیروهای مترقی با مبارزه عمومی مردم ایران، و در هفته‌های اخیر با مبارزه قهرمانانه زنان و جوانان و دانشجویان با حکومت استبدادی ایران، را بسیار مهم



موضوع مهم این است که نحوه برخورد مقام‌های تصمیم‌گیرنده در این ارتباط سؤال‌ها و نگرانی‌هایی جدی در جامعه برانگیخته است. واقعیت انکار نشدنی این است که عملکرد رژیم "ولایت فقیه" با سرکوب و کشتار گره خورده است. سازمان حقوق بشر ایران در گزارش ۴ آبان ماه سال جاری خود تعداد جان باختگان خیزش مردمی چند هفته اخیر در ۲۱ استان کشور را به این شرح اعلام کرده است: "سیستان و بلوچستان ۹۳ نفر، مازندران ۲۸ نفر، تهران ۲۳ نفر، گیلان ۱۸ نفر، کردستان ۱۷ نفر، آذربایجان غربی ۱۳ نفر، کرمانشاه ۱۲ نفر، البرز ۶ نفر، خراسان رضوی ۴ نفر، اصفهان ۳ نفر، قزوین ۲ نفر، کهگیلویه و بویراحمد ۲ نفر، زنجان ۲ نفر، آذربایجان شرقی ۲ نفر، اردبیل ۲ نفر، ایلام ۲ نفر، بوشهر ۱ نفر، سمنان ۱ نفر، خوزستان ۱ نفر، مرکزی ۱ نفر، و همدان ۱ نفر." پس از اعلام این آمار، خشم مردم در اکثر شهرهای کشور به‌ویژه در شهرهای کردستان، در چهلهم مهسا امینی شعله‌ور شد. به‌رغم جو امنیتی حاکم، مردم حق طلب ایران پاسخی شایسته به نمایش‌های تهوع‌آور و صحنه‌سازی‌های حکومت اسلامی دادند. در بحبوحه اعتراض و مقاومت مردمی در آن روز، سرکوبگران مسلح جمهوری اسلامی بار دیگر دست به خون‌ریزی زدند. شمار جانباختگان اعتراض‌های چهارشنبه ۴ آبان‌ماه و پنجشنبه ۵ آبان‌ماه در شهرهای کردستان به ۱۲ نفر رسید و این شمار از جانباختگان به آمار گلگون‌کفان میهن افزوده شد.

بسیاری از کاربران در شبکه‌های اجتماعی به‌درستی تأکید می‌کنند که اعتراض‌های مردمی پس از کشتن مهسا امینی از ابتدا مدنی و دور از خشونت بوده است و این نیروهای امنیتی و سرکوبگر بودند که با برخورد قهرآمیزشان اعتراض‌های مدنی را به خشونت خونین کشاندند. در اثر این خشونت‌ها تا کنون بیش از ۲۵۳ معترض جان باخته‌اند. در میان جانباختگان، ۳۴ کودک زیر ۱۸ سال و ۱۹ زن وجود دارد. با استفاده از کلیه امکانات در داخل و خارج کشور برای تقویت جنبش مردمی باید این شیوه برخورد جنایتکارانه جمهوری اسلامی را خنثی و راه‌های سرکوب را مسدود کرد و دژ ناپایدار "حکومت اسلامی" را درهم شکست.

رخدادهای چند هفته اخیر در کشور ثابت کرده است که تاکتیک‌های سرکوبی که جمهوری اسلامی ایران به‌کار گرفته نتوانسته است عزم راسخ مردم در مبارزه با جمهوری اسلامی را سست کند. امروزه رژیم ترور و اختناق اسلام سیاسی ایران که در بحران‌های اقتصادی اجتماعی ای ژرف، تورم و گرانی سرسام‌آور، بیکاری چند میلیونی جوانان و زحمتکشان، بی‌مسکنی، بی‌دروبی، و انواع کاستی‌ها و کمبودها در زندگی روزمره مردم و همچنین بحران ساختاری‌ای عمیق غوطه‌ور و دست‌به‌گریبان است، برای حفظ موقعیت حکومت استبدادی ننگین خود جز سرکوبگری و نقض خشن امنیت و آزادی‌های فردی و اجتماعی مردم پاسخی و تدبیری دیگر در برابر اعتراض‌های مردم ندارد.

مردم ایران در تظاهرات عظیم، و تاریخی‌شان نشان دادند که تیزبین و هوشیارند و علت‌های فاجعه‌کنونی را به‌خوبی درک کرده‌اند و عاملان اصلی این وضعیت را نیز خوب شناخته‌اند. مردم میهن ما با چنین حرکت‌ها و خصیصه‌هایی، با یکپارچگی و استقامتی اعجاب‌انگیز، رای تاریخی‌شان در تأیید گذر از جمهوری اسلامی به حکومتی ملی و دموکراتیک را اعلام کرده‌اند. در مبارزه امروز، مردم شرافتمند و زحمتکش ما زندگی خویش را وقف برقراری عدالت، آزادی، و حقیقت کرده‌اند و می‌کنند! مردم میهن ما برای برچیدن سباسب جمهوری اسلامی فاسد و فسادپرور مبارزه می‌کنند! مردم میهن ما در راه برپایی حکومتی ملی و دموکراتیک به‌منظور برون‌رفت جامعه از بحران عمیق کنونی مبارزه می‌کنند!

## تأملی بر رویدادهای ایران



### اراده شکست‌ناپذیر و مبارزه پیگیر مردم ستم‌دیده ایران

اعتراض‌های مردمی که سراسر ایران را فرا گرفته است و ویژگی‌هایی کم‌نظیر دارد، اعجاب و تحسین همه انسان‌های شریف و خواستار آزادی و پیشرفت اجتماعی در سراسر جهان را برانگیخته است. روزی نیست که از جان باختن یا زخمی شدن فرزندان معترض این مرز و بوم یا دستگیری‌های گسترده و انباشتن سياهچال‌هایش از مبارزان برای آزادی، عدالت اجتماعی، و حقوق راستن‌شان خبری منتشر نشود. در چنین وضعیتی است که خانم نرگس محمدی، سخنگو و نایب‌رئیس کانون مدافعان حقوق بشر، محبوس دیرینه رژیم ارتجاع در زندان اوین، روز یکم آبان‌ماه ۱۴۰۱ در نامه‌ای سرگشاده دربارهٔ رخدادهای پیش از شب آتش‌سوزی در زندان اوین می‌نویسد: "مسئولان زندان اوین از پیش می‌دانستند که چنین فاجعه‌ای رخ خواهد داد."

او در مورد چگونگی اوضاع در زندان اوین سه روز پیش از رخداد آتش‌سوزی و ضرب‌وجرح و قتل زندانیان، می‌نویسد: "کپسول‌های آتش‌خاموش‌کن به‌دستور ریاست زندان و به‌پهانه پر کردن، از بند خارج شده بود. با توجه به مجموعه شرایط حاکم بر زندان و آنچه آن شب همه ما شاهد بودیم، زندان بی‌شبهت به میدان جنگ نبود و نیروهای امنیتی و نظامی از زمین و بالای پشت‌بام‌ها، بندها را به محاصره گرفته بودند و زندانیان به شلیک گلوله تهدید می‌شدند و صدها گلوله شلیک شد و انفجارهای مهیبی رخ داد." این زندانی سیاسی با محکوم کردن حمله به بندهای سیاسی و ضرب و جرح زندانیان، از انتقال بیش از ۹۰۰ زندانی به مکان‌های معلوم و نامعلوم و همچنین تداوم وضعیت به‌شدت امنیتی در زندان خبر داد. نگاه کنید به: گزارش سخام نیوز، یکم آبان‌ماه ۱۴۰۱. بنابر اعلام مرکز رسانه قوه قضاییه و مسئولان زندان، در این فاجعه ۸ زندانی جان باختند و ۶۱ زندانی مجروح شدند. لازم به‌ذکر است که با گذشت ۵ روز از آن رخداد، زندانیان مجروح همچنان از رسیدگی مناسب پزشکی محروم مانده‌اند و به‌غیر از روشن شدن هویت یک تن از جانباختگان این فاجعه، مسئولان هنوز اسامی دیگر جانباختگان را اعلام نکرده‌اند.

جامعه ایران هنوز از شوک آتش‌سوزی در زندان اوین بیرون نیامده بود که اقدام تروریستی شاه‌چراغ در شیراز رخ داد که تردیدهایی جدی دربارهٔ چگونگی رخ دادن آن وجود دارد. اما دلیل تردیدها چیست؟ با توجه به کارنامهٔ سياه جمهوری اسلامی در صحنه‌سازی‌ها و ترندهایش در کشتار و سرکوب عمدی، مردم ایران هرگونه "حادثه" و فاجعه در کشور را نخست متوجه رژیم جمهوری اسلامی می‌کنند.

سایت خبری تحلیلی رویداد۲۴، پنجم آبان‌ماه ۱۴۰۱، دربارهٔ این اقدام تروریستی غم‌انگیز و فاجعه‌بار زیارتگاه شاه‌چراغ شیراز که دستکم به جان باختن ۱۵ تن و مجروح شدن ۲۳ نفر منجر شد، به‌نقل از خبرگزاری ایسنا، می‌نویسد: "ایسنا در گزارشی که منتشر کرده نوشته [است] ۴ تروریست در تیراندازی دست‌داشته‌اند و ۲ نفر از آنها دستگیر شده است." این در حالی است که فرمانده پلیس فارس روایت دیگری از ماجرا دارد. سردار رهام بخش حبیبی در گفت‌وگویی تلویزیونی حضور ۴ تیرانداز را رد کرده و در توضیحی گفته است که "مهاجم یک نفر بوده که دستگیر شده است." در عمل تروریستی اخیر در شاه‌چراغ شیراز، همانند موارد مشابه آن، باز هم مردم عادی و بیگناه قربانی شدند.

## تشدید فقر و محرومیت در روستاهای کشور

حکایت نگون بختی مردم کشورمان که در حکومت ولایتی تمام حق و حقوقشان پایمال شده است در قالب واژگان

معمول و رایج نمی‌گنجد و در این میان حکایت فقر و محرومیت روستاییان کشورمان از همه غم‌بارتر است.

در صد سال اخیر حاصل اقتصاد روستایی و کشاورزی سنتی جز آسیب و زیان چیزی دیگر نبوده است. بحران در جامعه ما در عرصه های متعدد اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ادامه داشته است. اما تکامل اجتماعی در کشور، در جهانی که رو به پیشرفت دارد، بقای نظام‌های پیش از سرمایه‌داری را در روستای ایران بیش از پیش ناممکن ساخته است.

بسیاری از روستاهای کشور هم اکنون از جمعیت تهی گشته‌اند. خانه‌های روستایی ویران یا نیم‌ویران فروریخته‌اند. احیای چنین روستاهایی بیشتر به زنده کردن مرده می‌ماند. از آنجا که اصلاحات ارضی در ۶ بهمن‌ماه ۱۳۴۱ در شرایطی غیردموکراتیک، و بدون ملاحظه منافع دهقانان در درجه نخست و بدون مداخله و نظر دهقانان انجام گرفت، مالکان بزرگ توانستند با استفاده از راه‌های فرار "قانونی" و با توسل به زور، تقلب، بندوبست با مأموران دولتی، و جز این‌ها، بیش از نیمی از املاکشان را با حفظ شکل‌هایی معین از مناسبات ارباب‌رعیتی همچنان در تصرف خود نگاه دارند. مالکان اقتصاد روستایی را با همان شیوه‌های سنتی قبلی حفظ کردند بی‌آنکه دستاوردهای کشاورزی مدرن را جانشین شیوه کشاورزی سنتی کنند. و این فاجعه محض همچنان ادامه دارد! چنین است که روستاییان با یکی از بزرگ‌ترین مسائل امروز و فردای کشور رو به‌رو شدند. ادامه این وضعیت دورنمای تیره‌تری برای روستاهای کشور رقم زد و مشکلی افزون بر مشکلات دیگر برای نسل‌های بعدی به‌وجود آورد. نبود امکانات مناسب درمانی و بهداشتی، دسترسی نداشتن به سوخت و برق و آب آشامیدنی سالم، کمبود چشمگیر امکان تحصیل، و نداشتن درآمد کافی از محصولات کشاورزی فقط چند نمونه از معضلات موجود در روستاها و زندگی روستاییان است.

ایران در تولید برخی از محصولات کشاورزی جایگاهی جهانی و ویژه دارد. کشت و برداشت گیاه زعفران با گل بنفش بدون تردید یکی از کاربردی‌ترین در این میان است. زعفران نمونه‌ای از سلطان ادویه‌های دنیاست. به‌علت کاربرد وسیع آن در صنایع دارویی، آرایشی، و جز این‌ها، به آن طلای سرخ نیز می‌گویند.

به‌گزارش اقتصاد آنلاین، ۳ آبان‌ماه ۱۴۰۱، علی حسینی، عضو شورای ملی زعفران ایران، با استناد به آمار وزارت جهاد کشاورزی، می‌گوید: "امسال ۳۵۰ تن زعفران در کشور تولید می‌شود. بر اساس قرارداد [میان] ایران و قطر، قرار است حجم ۲۰۰ تن زعفران فقط به کشور قطر صادر شود. به‌عبارت دیگر، ما بخش اعظم تولید یک سال خود را تنها به یک کشور ارسال خواهیم کرد." اقتصاد آنلاین از قول کارشناسان و صاحب‌نظران در این زمینه می‌نویسد: "قرارداد زعفران ایران و قطر مصداق تقدیم انحصار بازار زعفران ایران به کشور قطر است. در پایان شهریورماه سال جاری رسانه‌ها از امضای بزرگ‌ترین قرارداد تجاری زعفران جهان به حجم ۲۰۰ تن به‌ارزش اولیه ۳۰۰ میلیون دلار، بین ایران و قطر خبر دادند. از اهداف این قرارداد که بزرگ‌ترین قرارداد تجاری انتقال زعفران در جهان محسوب می‌شود، جلوگیری از خام‌فروشی، ایجاد ارزش افزوده، تعریف بازارهای جدید و بین‌المللی برای عرضه زعفران ایران ذکر شده است... آغاز ارسال زعفران به قطر درحالی است که این قرارداد ابهامات زیادی دارد و تا امروز به آن‌ها به‌روشنی پاسخ داده نشده است."

این قرارداد شرکت داخلی‌ای زیر حمایت رژیم قطر درحالی بسته شده است که ۶۵ کشور هم اکنون مشتری زعفران کشور ما هستند. منحصر شدن صادرات این حجم از زعفران به قطر یکی از ابهام‌های این قرارداد است. با استناد به اظهارنظر کارشناسان و آمارهای اعلام شده می‌توان گفت کشور ما بزرگ‌ترین تولیدکننده و صادرکننده زعفران در دنیا است. زعفران برخی دیگر از گیاهان دارویی غذایی ایران که توانسته‌اند خود را وارد بازارهای بین‌المللی کنند و خریداران بسیاری را به تجارت با ایران متقاعد کنند، اهمیت بسیاری در کسب درآمد از فرآورده‌های کشاورزی دارند. متأسفانه به‌علت نبود حمایت علمی، عملی، و مالی دولت و حاکم بودن اقتصاد دلالی مسلماً دیری نخواهد پایید که سود کشت این محصول نیز بسان دیگر محصولات کشاورزی به جیب دیگران و نه زحمتکش‌ان این عرصه سرازیر خواهد شد.

نسربین رضایی‌پور، کارشناس کشاورزی و مجری کشت گیاهان دارویی کشاورزی شهرستان دنا در استان کهگیلویه‌وبویراحمد، به خبرنگار همدلی، ۲۵ شهریورماه ۱۳۹۹، می‌گوید: "در بخش تسهیلات گاه برخی بانک‌ها قوانین را به‌صورت داخلی وضع می‌کنند که برای کشاورزان بازدارنده است و آنان را دل‌سرد و ناامید می‌کند." در این ارتباط، آقای لقمان کوهستانی، پژوهشگر و زعفران‌شناس، راه چاره کشت و بازاریابی مناسب برای زعفران را "تولید گلخانه‌ای آن می‌داند که بر اساس یافته‌های دانش روز باشد.

یکی دیگر از محصولات کشاورزان در منطقه محروم خراسان جنوبی، تولید ۹۸ درصد "زرشک" کشور است که سود بی‌حساب برای دلالتان و جیب خالی برای کشاورزان به‌همراه دارد. زرشک محصولی است که به یاقوت سرخ در دنیا معروف است و با وجود خواص متعدد آن، با قیمتی ناچیز خرید و فروش می‌شود. کشور ما بزرگ‌ترین تولیدکننده این محصول کشاورزی در جهان است. به‌علت بی‌کفایتی و سیاست‌های نابخردانه و ضد ملی جمهوری اسلامی ایران، اغلب تولیدکنندگان این محصول ورشکست شده‌اند. روزنامه همدلی به‌تقل از آقای لقمان کوهستانی می‌نویسد: "امروزه شمار زیادی از کشاورزان در مرز افغانستان این طلای سرخ را به‌صورت مواد خام یا مواد مخدر مبادله می‌کنند و با این کار تیشه به ریشه این طلای سرخ می‌زنند." نکته مهمی که آقای کوهستانی نمی‌تواند بر زبان آورد دست داشتن کارگزاران حکومتی در مبادله زعفران با مواد مخدر است. عناصر حکومتی در این عرصه سابقه تباه زیادی دارند و به‌رغم افشای‌های صورت گرفته هنوز هم این غارت و مبادله‌های کثیف ادامه دارد. قاچاق مواد مخدر به‌وسیله علی فلاحیان، وزیر سابق اطلاعات رژیم ولایتی و دارودسته جنایتکارش مشت‌ست نمونه خروار. دست داشتن فلاحیان در قاچاق مواد مخدر را رسانه‌های داخلی در سال‌های دهه ۱۳۷۰ به‌صورت وسیعی افشا کردند. اما از این افشای‌ها هیچ حاصلی به‌بار نیامد جز حبس شدن افشاگران!

بنا به‌ادعای محمدحسین اکبری، معاون برنامه‌ریزی و امور اقتصادی سازمان جهاد کشاورزی خراسان جنوبی، از زرشک تولیدی سال قبل ۷۲۰۰ تن در انبارها و سردخانه‌ها موجود است. با فرارسیدن زمان برداشت زرشک کشت شده امسال و اینکه زرشک محصولی است که در اثر گذر زمان از کیفیتش کاسته می‌شود، انبار شدن این محصول می‌تواند به ضرر هنگفت کشاورزان منجر شود. در چنین شرایطی است که تامین معاش و هزینه روزمره زندگی برای کشاورزان ستم‌دیده مشکل شده و می‌تواند کار و زندگی آنان صدمه‌هایی جدی برساند.

به‌گزارش ایسنا، ۱۸ شهریورماه ۱۳۹۹، احمد ضیائی‌ان، مدیر تعاون روستایی خراسان جنوبی، به زرشک‌کاران توصیه می‌کند که "با قیمت ناچیز محصول خود را در اختیار دلالتان قرار ندهند و احساسی عمل نکنند." گویی برای آقای ضیائی‌ان پاسخ به شکم‌های گرسنه و نیازهای عاجل روزمره زحمتکش‌ان زرشک‌کار مفهومی ندارد. اجبار به ارزان فروختن محصول به دلالتان زالوصفت در جهنم ولایتی که نتیجه سیاست ضد ملی مسئولان به حامی دلالتان است در فرهنگ ایشان "احساسی عمل" کردن کشاورزان زرشک‌کار معنا می‌دهد. به‌گزارش ایسنا، ۱۸ شهریورماه ۱۳۹۹، بیش از ۴۲ هزار کشاورز تولیدکننده محصول زرشک "در مقابل مجلس دست به تجمع زده و از نمایندگان طلب استمداد نمودند." ندای مظلومیت و حق‌طلبی دهقانان از ورای دیوارهای ستبر و چراغانی شده مجلس به صحن "ولایتی" اش راه نیافت و مجلس‌نشینان مفتخور و غیرمردمی صدای حق‌طلبانه دهقانان زجر کشیده را نشنیدند.

در چنین اوضاعی واسطه‌ها و دلالتان بر فعالیت خود افزوده‌اند و با حمایت مستقیم و غیرمستقیم دولتی به چپاول دسترنج دهقانان مشغول‌اند. سیاست‌های ارتجاعی جمهوری اسلامی کشاورزی و فرآورده‌های آن را با ورشکستگی رو به‌رو کرده است. این سیاست‌ها موجب فقر و مهاجرت هزاران دهقان بی‌پناه و گرسنه به شهرها و آغاز زندگی‌ای دردناک و شوم آنان به‌شکل حاشیه‌نشینی بوده است. واگذاری اعتبارهای دولتی، تأمین بذر و کود و کمک‌های فنی، گسترش شرکت‌های تعاونی فروش و مصرف به‌سود دهقانان، خرید محصولات کشاورزی به‌بهای عادلانه، حل جدی مسئله آب به سود دهقانان، و واگذاری زمین به دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین، و منتفی کردن بازپرداخت انواع وام‌ها و قسط‌ها و برداشتن بارهای سنگین مالی دیگر از دوش آنان، از خواست‌های بی‌درنگ دهقانان زحمتکش میهن ماست. نیروهای ترقی‌خواه و مبارز کشور باید به‌این موضوع توجه جدی داشته باشند.

## ادامهٔ بن بست حکومت ولای و ضرورت ...

اعتراض‌های گستردهٔ چند هفته‌گذشته در ده‌ها شهر بزرگ و کوچک به عملیات سازمان‌های جاسوسی خارجی، چیزی جز پذیرش ضعف و عجز دستگاه سرکوب در برابر امواج اعتراض‌های مردمی نیست. چکیده و هدف این بیانیهٔ دستگاه امنیتی، طبق روال معمول، مرتبط کردن اعتراض‌ها و فعالیت‌های سندیکاها را با فعالیت "دشمن خارجی" و هشدار دادن به خبرنگاران در مورد انتشار خبرهای فجایع حکومتی، مانند نحوهٔ کشته شدن مهسا امینی، و تهدید امنیتی روزنامه‌نگاران بود. در همین ارتباط، گفته‌های حسین سلامی، فرمانده کل سپاه، مبنی بر اینکه تلویزیون‌های خارجی از عوامل اصلی "اغتشاشات" بوده‌اند، و تهدید کردن مستقیم عربستان سعودی به عنوان مالک برخی از این تلویزیون‌ها، نشان از درماندگی رژیم در مقابل گسترش اعتراض‌هاست.

از این گزاره‌گوییان باید پرسید که با وجود شبکه‌ای بزرگ از تلویزیون‌های متعدد حکومتی و دستگاه تبلیغاتی داخلی جمهوری اسلامی، چگونه شبکه‌های تلویزیونی خارجی می‌توانند چنین جنبش‌های عظیمی را در داخل کشور راه‌اندازی کنند، و چرا دستگاه تبلیغاتی جمهوری اسلامی نمی‌تواند آنها را خنثی کند؟ سخنوری‌های حسین سلامی مانند همان نظریه‌های بسیار سطحی است که انقلاب ضددیکتاتوری سال ۵۷ را حاصل عملکرد رادیو بی‌بی‌سی فارسی و دسیسه‌های آمریکا و انگلستان برای نابود کردن "پیشرفت‌های شگرف" حکومت شاه می‌دانند! رسانه‌های خارجی نقش معینی در اندیشه‌سازی و اشاعهٔ اطلاعات دستچین شده یا نادرست به سود دیدگاه‌های خود و مالکان شخصی یا دولتی خود دارند، ولی عامل اصلی اعتراض‌های ایران، چه در رژیم سلطنتی و چه امروزه در حکومت اسلامی، بحران‌های عمیق و گستردهٔ اجتماعی-اقتصادی و ظلم و ستمی است که به مردم و به‌ویژه به زحمتکشانشان شده است و می‌شود. به میان کشیدن پای رسانه‌های خارجی، صرفاً برای پرهیز از پذیرفتن نقش حکومت‌ها در سرکوب‌های اقتصادی-اجتماعی-سیاسی است.

رژیم سعودی و دولت آمریکا بلافاصله گفته‌های حسین سلامی و تهدیدهای او در مورد نقش تلویزیون "ایران اینترنشنال" در اعتراض‌های جاری ایران را نشانهٔ تدارک حملهٔ جمهوری اسلامی ایران به عربستان سعودی اعلام کردند، موضوعی که می‌تواند بهانه‌ای خطرناک در دست محافل جنگ طلب آمریکا شود. اینکه حکومت ولای ایران در برابر تهدیدی که از جانب اعتراض‌های پیگیر مردم می‌شود و توان دفع آن را ندارد، در شرایطی معین دست به ماجراجویی نظامی بزند، احتمالی است که در صورت تحقق، با کاشاندن ماشین جنگی آمریکا و ناتو به منطقه، می‌تواند ایران را با خطرهای ویرانگری روبه‌رو سازد. از این رو، ضروری است که نیروهای ملی و مترقی، با هوشیاری کامل از حفظ صلح دفاع و با بروز هر نوع تنش و برخورد نظامی مقابله کنند.

از دیگر افاضات و تهدیدهای فرمانده کل سپاه این بود که "ما به جوانانمان باز هم می‌گوییم که شرارت را کنار بگذارند؛ امروز، روز پایان اغتشاشات است. دیگر به خیابان نیایید." بی‌اعتنایی مردم و جوانان کشور به این تهدید و ادامه یافتن تظاهرات و اعتراض‌ها، از یک سو، نشانه بی‌اعتباری دستگاه‌های امنیتی و تبلیغاتی حکومت اسلامی و از سوی دیگر، نشانهٔ عزم راسخ معترضان ایران به بازپس گرفتن حقوق انسانی خود است.

سخنرانی علی خامنه‌ای به مناسبت ۱۳ آبان، روز ملی مبارزه با استکبار جهانی و تلاش او برای سوءاستفاده از سرواژهٔ "جنگ ترکیبی" برای توجیه ضربه‌هایی که جنبش اعتراضی به حکومت ولای وارد آورده است نیز اقدامی عبث برای آرام کردن اعتراض‌ها بود. سعی "تأمیندهٔ خدا روی زمین" برای "حفظ نظام" از طریق منحرف کردن افکار عمومی از رخدادهای اخیر درون کشور به سمت خارج، و به‌ویژه مرتبط کردن اعتراض‌ها به تنش بین قدرت‌های جهانی، نشان‌دهندهٔ میزان درماندگی سران حکومت اسلامی در برابر گسترش جنبش اعتراضی مردم است. واقعیت آن است که سخنان خامنه‌ای در مورد "مبارزه با استکبار جهانی" امروزه دیگر جز روی پایگاه اجتماعی در حال کاهش و فروریزی رژیم در داخل کشور، از جمله لشکر مزدور سرکوبگر و جیره‌خواران ذوب شده در ولایت فقیه، در جای دیگری مؤثر نیست و در عمل به یابوه‌گویی‌هایی بی‌ثمر تبدیل شده است. در حالی که چهار دهه سیاست خارجی تنش‌آفرین جمهوری اسلامی، مبتنی بر اسلام‌گرایی افراطی و زیر پرچم دروغین "مبارزه با استکبار"، با ورشکستگی روبه‌رو شده است و کشور ما را به شکل‌های گوناگون در معرض بحران‌های متعدد و دست‌اندرازی‌های

اقتصادی و سیاسی امپریالیسم آمریکا قرار داده است، علی‌خامنه‌ای به مناسبت روز ۱۳ آبان در حضور دانش‌آموزان می‌گوید: "آمریکا آسیب‌پذیر است".

دیدگاه‌ها و سخنان پوچ و بی‌مایه‌ای که در تمام سطوح حکومتی بیان می‌شود، از سران "نظام" و در رأس آنها خامنه‌ای گرفته تا نظامیان و جناح‌های اصول‌گرا و اصلاح‌طلب و رسانه‌هایشان، نشان‌دهندهٔ به بن‌بست رسیدن حاکمیت "اسلام سیاسی" در همهٔ عرصه‌های سیاست داخلی و خارجی در پاسخ‌گویی به خواست‌های مردم و برحق مردم و به‌ویژه زحمتکشانشان است. حکومت ولایت فقیه بار دیگر در وضعیت بسیار نامتعادل قرار گرفته و در برابر جنبش آزادی‌خواهی آسیب‌پذیر شده است.

جامعهٔ ایران وارد شرایط کاملاً نوبنی شده است که فرصت بسیار ارزشمندی را در برابر نیروهای سیاسی مردمی و مترقی خواستار تغییرهای بنیادی دموکراتیک قرار می‌دهد. باید فداکاری‌های والای جوانان و زنان و مردم ایران را با ایجاد نهاد یا جبهه‌ای متشکل از نیروهای سیاسی ملی و دموکرات تقویت کرد. زمان ارتقای سطح جنبش مردمی و مبارزهٔ سازمان‌یافته و مستقیم با تمام ساختارهای اصلی حاکمیت "اسلام سیاسی" فرا رسیده است. این مبارزه به تدارک، برنامه‌ریزی، و تدوین چشم‌انداز روشن برای حکومت آینده نیاز دارد. پراکندگی و رقابت‌های کور و نامستولانهٔ برخی از نیروهای سیاسی مخالف رژیم و تصفیه حساب‌های شخصی و حزبی را، که به بهای تأخیر در ایجاد جبهه‌ای متحد برای ارتقای کیفی مبارزه تمام می‌شود، دیگر به‌هیچ‌وجه نمی‌توان توجیه یا تحمل کرد. جای تأسف است که هنوز با اظهارنظرها و رفتارهای تفرقه‌افکنانهٔ برخی از فعالان و نیروهای مترقی روبه‌رو هستیم که مانع بهره‌برداری از فرصت ارزشمند مبارزه در لحظهٔ کنونی می‌شود. در این ارتباط، به دو مورد می‌توان اشاره کرد:

۱) این روزها شاهد تولید انبوهی از نظریات و تحلیل‌های فردی در مورد رخدادهای اخیر در کشور هستیم. مسلماً برخی از این نوشتارها و سخنرانی‌ها محتوایی قابل اعتنا و مفید دارند که می‌تواند به پیشبرد مبارزه کمک کند. اما بسیاری از این اشخاص نه‌فقط اشاره‌ای به ضرورت سازمان‌دهی بهتر مبارزه از طریق تشکل‌های سیاسی نمی‌کنند، بلکه دانسته یا ندانسته چنین ابزار مفیدی را نفی می‌کنند. گاه به نظر می‌آید که این گونه نظریات فردی صرفاً به منظور تبلیغ نام شخصی معین یا بالا بردن تیراژ این یا آن رسانهٔ معین منتشر می‌شود. این دسته از تحلیلگران منفرد، در این روند مخرب تشکل‌گریزی، برای وارد کردن یا به بحث کشیدن نظریات و برنامه‌های مشخص و مواضع کنونی سازمان‌ها و حزب‌های سیاسی در تحلیل‌هایشان هیچ تلاشی نمی‌کنند، مگر با هدف نفی کامل این حزب‌ها و سازمان‌ها. اینان با خاطره‌نویسی یا رجوع به برخی مسائل تاریخی مورد نظر خودشان، در عمل، صرفاً نظریات شخصی‌شان را در مورد حزب‌ها و سازمان‌های سیاسی مطرح می‌کنند، و کاری به واقعیت مواضع این سازمان‌ها ندارند. البته هر فردی در بیان نظریاتش آزاد است، ولی یک‌جانبه به قاضی رفتن و بی‌توجهی به مواضع و اسناد رسمی سازمان‌های سیاسی، ابزار نظریات فردی را بی‌اعتبار می‌کند و به تفرقه دامن می‌زند.

۲) نبود همکاری مؤثر میان نیروها و حزب‌ها و سازمان‌های سیاسی موجود عامل دیگری است که اثرگذاری نیروهای مترقی و ملی را در تحول تاریخی جاری کاهش می‌دهد. آنچه در حد "همکاری" وجود دارد محدود به انتشار پراکندهٔ چند اعلامیه است که اثر چندانی بر امر خطیر تشکل‌یابی، تدوین برنامهٔ عمل مشترک، و ارتقای مبارزهٔ ضددیکتاتوری ندارند و متأسفانه نشانی از تلاش جدی برای برطرف کردن این ضعف عمده در میان نیروهای مترقی و ملی دیده نمی‌شود. در مقابل دیکتاتوری حاکم، باید بتوان جبههٔ سیاسی معتبر و مؤثری ایجاد کرد تا به پشتوانهٔ جان‌فشانی‌های پیگیر و ارزشمند مردم ایران در خیابان‌ها و دانشگاه‌ها و کارخانه‌ها و ... بتوان توازن نیروهای سیاسی را به سود نیروهای خواهان گذار از دیکتاتوری حاکم تغییر داد.

بخشی از ابوزیسیون گویا چنین تصور می‌کند که از طریق کانال‌های تلویزیونی فارسی‌زبان وابسته به این یا آن دولت خارجی می‌توان براندازی حکومت ولای را به روش انقلابی رهبری کرد. در اینجا، سخن دربارهٔ بازتاب دادن خبرهای تظاهرات اعتراضی در ایران در این رسانه‌ها نیست، که در هر صورت وظیفهٔ رسانه‌های حرفه‌ای است. سخن ما دربارهٔ جریان‌سازی و رهبرتراشی و یک‌سویه‌نگری رسانه‌هاست. جالب آن است که بسیاری از نظریه‌پردازانی که در برنامه‌های تلویزیونی بی‌بی‌سی فارسی، "ایران اینترنشنال"، و "من و تو" همواره از دیدگاه ضدمارکسیستی‌شان مقولهٔ "انقلاب را نفی کرده‌اند و انقلاب ضددیکتاتوری سال ۵۷ را واقعه‌ای مخرب" می‌دانند، اکنون به انقلابی‌های دواتشه تبدیل شده‌اند.

تجربه‌های جهانی اخیر، به‌ویژه در خیزش "بهار عرب"، نشان می‌دهد که بدون تشکل‌یابی و سازمان‌دهی در فعالیت سیاسی و همکاری مستمر حزب‌ها نمی‌توان تنها بر پایهٔ حضور فداکارانهٔ مردم در خیابان‌ها و اطلاع‌رسانی در تلویزیون‌ها و در فضای مجازی سطح مبارزه را تا حد تغییر توازن نیرو به سمت جهش انقلابی سوق داد و انقلاب را حفظ کرد. پیروزی در این مبارزه، نیاز به اتحاد، تدارک، برنامه‌ریزی، و تدوین چشم‌اندازهای مشخص دارد.

## گزارشی از برگزاری موفق نشست سالانه حزب‌های کمونیست و کارگری جهان

- ♦ حزب کمونیست کوبا با برخوردی اصولی توانست وحدت جنبش کمونیستی جهان را در شرایط بغرنج بین‌المللی تضمین کند
- ♦ تصویب بیانیه نهایی بیست و دومین نشست بیانگر وحدت جنبش کارگری کمونیستی جهان در شرایط کنونی است
- ♦ ادامه عضویت حزب توده ایران در ترکیب "کارگروه تدارک برگزاری نشست‌های بین‌المللی حزب‌های کمونیست و کارگری"

طبق تصمیم کارگروه تدارک این نشست‌ها در اسفند ۱۴۰۰ در لیسبون، بیست و دومین نشست حزب‌های برادر با میزبانی حزب کمونیست کوبا در روزهای ۵ تا ۷ آبان در هاوانا، پایتخت کوبا، برگزار شد. در این نشست موفق، ۱۴۵ نماینده رسمی از طرف ۷۸ حزب کارگری و کمونیست از ۶۰ کشور از هر پنج قاره جهان شرکت داشتند. نشست حضوری امسال سه سال بعد از نشست حضوری قبلی در پاییز ۱۳۹۸ در ازبک (ترکیه) به میزبانی حزب کمونیست ترکیه برگزار شد. شروع همه‌گیری کووید-۱۹ در زمستان همان سال و شروع شرایط اضطراری ممنوعیت برگزاری همایش‌های حضوری و اختلال همه‌جانبه در مسافرت‌های بین‌المللی عملاً برگزاری این گونه نشست‌ها را غیرممکن کرده بود. البته در همین دوره زمانی دو نشست آنلاین اضطراری در سال‌های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ برای بررسی اوضاع بین‌المللی برگزار شد که حزب توده ایران در هر دو آنها فعالانه شرکت داشت. گزارش‌های آن نشست‌ها در "نامه مردم" منتشر شد.

گردهمایی هاوانا در هفته اول آبان ۱۴۰۱ همچنین به دلیل دو مشخصه ویژه دیگر مورد توجه وسیع نیروهای مترقی جهان قرار گرفت:

(۱) اینکه بعد از اوایل اسفند ۱۴۰۰، به دنبال حمله نظامی روسیه به اوکراین و ادامه و گسترش مخرب و مهیب این درگیری نظامی، نه فقط مناطقی از اوکراین به ویرانه بدل شده است، بلکه اکنون به اصطلاح "عملیات ویژه" روسیه در عمل به جنگی پیچیده بین آن کشور و کشورهای عضو پیمان تجاویز ناتو دامن زده است که هر گونه اشتباه محاسبه در آن ممکن است آن را به جنگ هسته‌ای و حتی شروع جنگ جهانی سوم بکشاند.

(۲) نشانه‌های بروز برخی اختلاف‌نظرهای تئوریک در یک دهه گذشته، که ضرورت برخورد مشخص و رفیقانه در نشست حزب‌های برادر برای مدیریت علمی و منعطف آنها و جلوگیری از بروز بحران در جنبش را، با تأکید بر ضرورت وحدت استراتژیک در خانواده حزب‌های کمونیست و کارگری، می‌طلبد. تقویت وحدت عمل حزب‌های کمونیست و کارگری در این مقطع زمانی از موضوع‌های مهمی بود که میزبانی حزب کمونیست کوبا را ضروری می‌کرد. به علاوه، یکی دیگر از وظایف "کارگروه" ضرورت ایجاد شرایطی برای پیدا کردن راه‌های مؤثر کمک به جنبش صلح جهانی بود.

جلسه نهایی "کارگروه" در بامداد روز ۵ آبان در مجتمع عظیم و مدرن "مرکز همایش‌های بین‌المللی هاوانا" با سخنان رفیق انگل آرزوفا ریز، معاون رئیس و هماهنگ کننده شعبه روابط بین‌المللی کمیته مرکزی حزب کمونیست کوبا، آغاز شد. او پس از طرح پیشنهاد دستور کار جلسه که بیشتر مورد توافق حزب‌های عضو کارگروه قرار گرفته بود، جلسه را آغاز کرد. وی در سخنان خود بر اهمیت بیست و دومین نشست تأکید کرد و گفت: "این نشست در بحبوحه تلاطم [کم سابقه] بین‌المللی برگزار می‌شود که علاوه بر این، با پیچیدگی‌های خاص هر کشور همراه است. این وضع ما را با چالش‌های مشخص روبه‌رو می‌کند: ایجاد چارچوبی برای اقدام جمعی که وحدت ما را برای رویارویی با چالش‌های موجود در مبارزاتمان تقویت کند."

او در ادامه افزود: "چه چیزی همه ما کمونیست‌ها، سوسیالیست‌ها، انقلابی‌ها، و کارگران را متحد می‌کند؟ ما بر اساس باورمان به مبارزه با امپریالیسم متحد شده‌ایم که به طور خلاصه، تلاش مشترک ما برای دستیابی به جهانی صلح‌آمیز و برخورد از عدالت اجتماعی بیشتر، ارتقای توسعه و سعادت همه ملت‌ها برای رسیدن به رفاه و خوشبختی، و برای جلب توجه همه به حفظ محیط‌زیست را در بر می‌گیرد... اگر با همت و اتحاد کار نکنیم، این آرزوهای والا ممکن است به رویاهای دست‌نیافتنی بدل شود."

کار گروه پس از آن به بررسی کارهای سازمانی و تصمیم‌گیری درباره عضویت نمایندگان حزب‌های کمونیست متقاضی عضویت در "فهرست حزب‌های حاضر در سولیدنت" پرداخت و بر اساس پروتکل‌های موجود، تصمیم‌های لازم را گرفت. پس از آن، تصویب طرح "بیانیه نهایی بیست و دومین نشست بین‌المللی حزب‌های کمونیست و کارگری" در دستور کار قرار گرفت. در سال‌های اخیر، به دلیل برخی اختلاف‌نظرها، تصمیم گرفته شده بود که به جای بیانیه نهایی در پایان هر نشست، فقط یک بیانیه مطبوعاتی با امضای حزب میزبان مورد بحث قرار بگیرد و

منتشر شود. حزب‌های شرکت کننده مجاز بودند که به تفسیر خود این بیانیه مطبوعاتی را با دخل و تصرف‌هایی منتشر کنند. حزب کمونیست کوبا از همان اسفند سال گذشته که میزبانی نشست اخیر را پذیرفت، بر این امر اصرار ورزید که مهم است که با برخی توافق‌ها در مورد طرح نکردن مسائل مورد مناقشه یا فرمول‌بندی‌های مشکل‌آفرین، بیانیه نهایی‌ای طرح و تدوین شود که حداقل‌های مورد قبول و مشترک همه حزب‌های کمونیست حاضر در نشست را در بر داشته باشد. رهبری حزب کمونیست کوبا در مشورت با دیگر حزب‌های کمونیست و کارگری طرحی را به حزب‌های حاضر در جلسه کارگروه ارائه داد که در اساس به همه حزب‌ها اجازه می‌داد آن را بپذیرند. ولی این امر موجب می‌شد که برخی مسائل مهم که مورد توافق یک یا چند حزب نبود در طرح گنجانده نشود. پیشنهاد رفقای کوبایی پس از بحث‌های طولانی و نظردهی تعدادی از حزب‌ها، و از جمله حزب توده ایران، به اتفاق آرا برای رای‌گیری و تصویب نهایی در جلسه روز آخر همایش در حضور همه حزب‌های حاضر به تأیید رسید.

سند بعدی که کارگروه درباره آن بحث کرد، برنامه فعالیت‌های مشترک حزب‌های کمونیست و کارگری در یک سال آینده و تا نشست بعدی در پاییز سال آینده بود. رفقای کوبایی تقویمی از مناسبت‌های مهم جنبش کارگری و کمونیستی تهیه کرده بودند که پس از بحث و بررسی و تدقیق و برخی اصلاحات برای ارائه به جلسه همه حزب‌های حاضر در نشست به تصویب رسید.

جلسه کارگروه در انتها به کار بررسی فهرست کاندیداهای عضویت در کارگروه برای سه سال آینده (سال‌های ۲۰۲۲ تا ۲۰۲۵) پرداخت و فهرستی حزب‌هایی را که از قبل نامزدی خود را اعلام کرده بودند برای تصویب نهایی به نشست احزاب نهایی کرد. حزب توده ایران که از سال ۲۰۱۶ در دو دوره متوالی عضو کارگروه بوده است، برای سه سال آینده نیز عضو کارگروه خواهد بود.

به دعوت حزب کمونیست کوبا، نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران در بیست و دومین نشست بین‌المللی حزب‌های کمونیست و کارگری در هاوانا شرکت کرد. طبق برنامه نشست، نماینده حزب ما در روز ۲۸ اکتبر/۶ آبان برای رفقای حاضر در نشست سخنرانی کرد که با استقبال گرم رهبران و نمایندگان حزب‌های برادر روبه‌رو شد. متن کامل این سخنرانی را در همین شماره "نامه مردم" می‌توانید بخوانید. در جریان برگزاری این نشست در هاوانا، نمایندگان همه حزب‌های شرکت کننده سخنرانی کردند. جلسه روز جمعه ۱۴ ساعت و تا نزدیکی نیمه‌شب طول کشید. موضوع‌گیری در مورد حمله نظامی روسیه به اوکراین، تعریف "دوران"، و مراحل بینایی در مبارزه با سرمایه‌داری برای رسیدن به سوسیالیسم، از عمده‌ترین موضوع‌هایی بودند که حزب‌های شرکت کننده دیدگاه‌های متفاوتی درباره آنها داشتند. در هفته‌های آتی، بخشی از این سخنرانی‌ها برای آگاهی رفقای حزبی و علاقه‌مندان به جنبش چپ در ایران ترجمه و منتشر خواهد شد.

در روزهای برگزاری این نشست بین‌المللی، نماینده حزب ما در دیدارها و تبادل نظرهای دوجانبه و چندجانبه جداگانه‌ای با رهبران و نمایندگان حزب‌های برادر نیز شرکت کرد که در آنها درباره موضوع‌های مورد علاقه و توجه حزب‌های برادر صحبت شد. نماینده حزب ما از جمله در این تبادل نظرها با دبیرکل حزب کمونیست آفریقای جنوبی، دبیرکل حزب کمونیست شیلی، دبیرکل حزب کمونیست ترکیه، رهبر حزب کمونیست کانادا، دبیرکل حزب کمونیست ایرلند، دبیرکل حزب کمونیست استرالیا، نماینده رهبری حزب کمونیست ونزوئلا، نماینده کمیته مرکزی حزب کمونیست برزیل، دبیر شعبه روابط بین‌المللی حزب‌های کمونیست اسپانیا، هند (مارکسیست)، قبرس (اکل)، پرتغال، کارگران ایرلند، و نیز با نمایندگان حزب‌های کمونیست اتریش و کاتولونیا و عراق و بحرین درباره اوج‌گیری مبارزه مردم و زحمتکش‌ان ایران برای گذار از رژیم دیکتاتوری حاکم و ضرورت ابراز وسیع‌ترین همبستگی بین‌المللی با این مبارزه تأکید کرد.

در جلسه پایانی نشست احزاب در روز ۷ آبان، دبیر اول حزب کمونیست کوبا و رئیس‌جمهور آن کشور شرکت و سخنرانی مهمی ایراد کرد. متن کامل این سخنرانی در این شماره "نامه مردم" منتشر شده است. بیست و دومین نشست بین‌المللی حزب‌های کمونیست و کارگری با خواندن سرود انترناسیونال با موفقیت به کار خود پایان داد.

**متن کامل سخنرانی رفیق میگل دیاز کانل برموز، دبیر اول حزب کمونیست و رئیس‌جمهور کوبا**  
**افق ما هنوز سوسیالیسم است**

رفقای گرامی،

خواهران و برادران هم‌زرم،

زمانه‌ای که ما در آن زندگی می‌کنیم، برای اکثریت عظیم [جمعیت دنیا] دشوار و ناامیدکننده است، اکثریتی که قربانی بحران‌های چندگانه هم‌زمان سرمایه‌داری رو به انحطاط است که جهان را به سوی بربریت سوق می‌دهد. در چنین زمانی، برگزاری چنین نشست‌هایی بسیار مایه آرامش خاطر است، نشستی که ما را برای سه روز در هاوانا گرد هم آورده است تا با واقع‌گرایی درباره جایگزین‌ها و امیدهایی که همه ما در آنها

**ادامه در صفحه ۸**

## ادامه گزارشی از برگزاری موفق نشست ...

شریکیم بحث و تبادل نظر کنیم. همه ما اینجا که اینجا جمع شده‌ایم رؤیایها و فعالیت‌هایی داریم و پیش از هر چیز می‌کشیم آنچه را ناممکن بوده است، ممکن سازیم. به عبارت دیگر، کاری را می‌کنیم که دشمنان سوسیالیسم و نابرابرین دشمنان پیشرفت بشر، از همان زمانی که اندیشه‌های مارکس و انگلس و مائیفست کمونیست استشارشدگان را برانگیختند و استثمارگران را به وحشت انداختند، می‌گفتند ناممکن است. این قطعیت که دنیایی بهتر ممکن است، بی‌دلیل و به‌آسانی به دست نیامده است. ما در مسیر ساختمان سوسیالیسم و در هر دیدار و گفت‌وگو با هر حزبی که با ما آرمان‌های مشترک در مبارزه خستگی‌ناپذیر برای رهایی انسان و عدالت اجتماعی دارد، درستی این قطعیت را ثابت کرده‌ایم.

حتی پس از میان رفتن دردناک اردوگاه سوسیالیستی در اروپا و فروپاشی اتحاد شوروی، و به‌رغم کارزارهای وحشیانه ضد کمونیستی، که قدرت‌های سرمایه‌داری فراملی از طریق رسانه‌های قدرتمند جهانی آن را به تنها اندیشه جزمی دنیا تبدیل کرده‌اند، افق دید ما همچنان سوسیالیستی است.

به‌رغم اهریمن‌سازی [سرمایه‌داری] از تاریخ درخشان جنبش بین‌المللی کمونیستی، محدود کردن شرم‌آور حقوق مشارکت سیاسی در شمار فزاینده‌ای از کشورها به‌نام آزادی و در بحبوحه وضعیت جهانی بسیار پیچیده‌ای مانند وضعیت در بدترین زمان‌ها در تاریخ جهان، امروزه ما رخدادی را به پایان می‌بریم که برای نخستین بار در کوبا، ۱۴۵ نماینده از ۷۸ حزب کمونیست و کارگری از ۶۰ کشور جهان را گرد یکدیگر آورده است.

کوبای اهریمن‌شده، کوبای محاصره‌شده، کوبای آزادیده و مجازات‌شده کسانی را از سراسر جهان فراخوانده و در خاک خود پذیرفته است که آرمان‌هایی مشترک دارند و از آنها دفاع می‌کنند. [همه جمع شده‌ایم] تا دیدگاه‌ها و نظریات خود را درباره موضوع‌های دارای اهمیت استراتژیک، مانند وحدت لازم برای مقابله با هجوم امپریالیسم، ظهور راست افراطی، ظهور مجدد فاشیسم و جنگ، و همچنین درباره اقدام‌های لازم در دفاع از صلح، محیط‌زیست و حقوق کارگران، و ترویج همبستگی همه ملت‌ها در مبارزه‌شان، با هم در میان بگذاریم. پیش از هر چیز، سیاست‌گذار اعتماد کسانی هستیم که به حزب کمونیست کوبا فرصت دادند تا این نشست را سازمان‌دهی کند. در عین حال، از تلاش همه حاضران برای آمدن به این نشست، آن هم در بحبوحه اوضاع نگران‌کننده و بسیار پیچیده سیاسی و اقتصادی و اجتماعی در بیشتر کشورهای شما، قدردانی می‌کنیم.

ما از شما نمی‌خواهیم که یک الگوی واحد را تحسین و تمجید کنید. ما از شما می‌خواهیم که تحلیل‌های خود را داشته باشید و تلاش‌های خود را هماهنگ کنید. کوبا نمونه یک تجربه مشخص از ساختن سوسیالیسم در کشوری کوچک و در حال توسعه است که مورد آزار و حشیشانه نیرومندترین قدرت در تاریخ بشر قرار دارد که فقط 60 مایل با ساحل‌های آن فاصله دارد. می‌شود گفت که ما نیاز به تغییر اجتماعی از راه شکستن منطق سرمایه، و در عین حال توسعه و بهبود فرایند ایجاد تغییرات اجتماعی سوسیالیستی در روند غلبه بر منطق امپریالیستی را درک می‌کنیم. مسئله بر سر ترکیب چالش بین جایگزین ضروری و جایگزین ممکن در این فرایند و در این پروژه است، به‌طوری که آنچه در حال حاضر ممکن و شدنی است با آنچه در آینده این پروژه تاریخی لازم است در تضاد نباشد. به بیان دیگر: جایگزین ممکن نافی جایگزین مطلوب نیست، بلکه آن را تغذیه می‌کند، و به پیش می‌برد.

مارکسیسم علم است و ما برای اثبات این تئوری در عمل دائم با چالش‌هایی روبه‌رویم، و برای پیشروی در راه تحقق عدالت اجتماعی، ناچاریم پاسخ‌هایی بیابیم. در این راه، توجه به دو جنبه اساسی مهم است: نیاز به یک پیشاهنگ سازمان‌یافته، در مورد ما، حزب کمونیست کوبا، همراه با آموزش علمی و سیاسی و ایدئولوژیک برای درک تحولات امپریالیسم و شکل‌های جدید مبارزه؛ و در عین حال، این فرض که جوهر و شالوده ایدئولوژی تحول سوسیالیستی مارکسیسم انتقادی است، که می‌خواهد واقعیت را با روشی علمی دگرگون کند.

در نتیجه، گذار سوسیالیستی کوبا بر دو محور اساسی تحول سوسیالیستی مبتنی است: مرکزیت داشتن کار و مرکزیت داشتن نمونه [الگو]. در هر دو مورد، انسان هدف و موضوع این تحول است. ما در این راه پیش می‌رویم. همان‌گونه که در بیته از ترانه ویسنته فلیو (Vicente Feli)، تروبادور [خواننده دوره‌گرد] ما، گفته می‌شود، "با قلبی در مشت، با دست خالی کوه را از سر راه برمی‌داریم." این ترانه توصیفی شاعرانه از رویارویی کوبا با همه چالش‌های پیش روست.

رفقا،

ما از دیدگاه‌های متفاوت به این توافق رسیده‌ایم که بحران سیستمی سرمایه‌داری، که در دو سال اخیر با همه‌گیری کووید-19 تشدید شده است، سبب افزایش بیگانگی، محرومیت و نابرابری‌های اجتماعی، خودخواهی و

سیاسی‌زدایی به نفع طرح‌های راست افراطی محافظه‌کار، و حمایت از ایده‌های افراطی و فاشیستی شده است.

ارزبایی‌های بسیاری از حزب‌های حاضر در این نشست تأیید می‌کنند که نبرد برای تحقق عدالت اجتماعی و سوسیالیسم، پیش از هر چیز، به اتحاد جنبش کمونیستی و کارگری و متحد شدن با سازمان‌های سندیکایی و با جنبش‌های اجتماعی، انقلابی، و مردمی مخالف با سلطه امپریالیستی است.

برای موفقیت در رشد و پیشرفت در ساختمان برنامه‌های سیاسی که دیگر بخش‌های جوامع را در بر بگیرد، این درک [از اتحاد] ضروری است، آن هم در جوامعی که ترکیب آنها بیش از پیش متنوع و نیازها و خواست‌های اجتماعی آنها بیش از پیش ناهمگون می‌شود، مانند کارگران فکری، زنان، دانشجویان و جوانان، دهقانان، و اقلیت‌های محروم. فقط با تلاش و هماهنگی همگان می‌توانیم به تحول انقلابی واقعی دست یابیم.

بیانیه و برنامه عمل "مصوب این بیست‌ودومین نشست چنین هدف را دنبال می‌کند. اگر اطمینان یابیم که این هدف‌ها و اقدام‌ها نتیجه و ثمربخشی واقعی دارند، می‌توانیم اطمینان حاصل کنیم که این نشست مفید بوده است و در آینده نیز این نشست‌ها سودمند و تحول‌آفرین خواهند بود.

ما حزب‌های کمونیست و کارگری واقعی را که می‌خواهیم و باید تغییر دهیم مشخص کرده‌ایم. ما می‌دانیم که امپریالیسم دشمن اصلی است. ما از استراتژی مداخله‌گرانه امپریالیستی با هدف تضعیف نیروهای ما، تقویت بدترین نوع الگوی مصرف‌گرایی، بیگانه‌سازی، و غارتگری، و تحمیل ارتجاعی‌ترین، بیگانه‌سازترین، و محافظه‌کارانه‌ترین ارزش‌ها در عرصه سیاسی و ایدئولوژیک آگاهییم.

بیباید ارزش‌ها و اصولی را که بر سر آنها توافق داریم و ما را متحد می‌کنند، که شامل مفاهیم اخلاقی و معنوی‌ای مانند برابری، داد، و عدالت اجتماعی است؛ دموکراسی انقلابی و سوسیالیستی را که خصلت مردمی و مشارکتی آن را باید گسترده‌تر کنیم؛ همبستگی را بر اساس رویه‌ای اصیل، محترمانه، و مکمل یکدیگر؛ و اتحاد را، ابتدا در درون خودمان و سپس با سایر حزب‌ها و سازمان‌های سیاسی، و جنبش‌های اجتماعی و مردمی، نخست در کشورهای خودمان و سپس در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی، به‌عنوان شمشیر و سپر ملت‌ها در برابر این استراتژی امپریالیستی قرار دهیم.

در اوضاع بین‌المللی پیچیده کنونی، کوبا با چالش‌های زیادی روبه‌روست. حزب کمونیست کوبا روی اجرای وظایف اصلی تعریف‌شده در کنگره هشتم کار می‌کند که در ماه آوریل سال گذشته برگزار شد و نام آن را کنگره وحدت و تداوم گذاشتیم. این وظایف عبارت‌اند از نبرد اقتصادی، مبارزه برای صلح، و استحکام ایدئولوژیک. به همین ترتیب، ما برای اجرای ایده‌ها، مفاهیم، و رهنمودهایی که کمونیست‌ها و کل مردم کوبا در آن کنگره مشخص کردند کار می‌کنیم. حزب کمونیست کوبا به حفظ پیوند همیشگی با توده‌ها اهمیت ویژه‌ای می‌دهد. به قول راتول کاسترو روز، ژنرال ارتش و رهبر انقلاب کوبا، به زبان عامه‌پسند، "چشم و گوش باز" هستیم، و این یعنی ارتباط مستقیم با مشکلات و آرزوهای مردم و آگاهی عمیق درباره حقایق، پدیده‌ها، و فرایندهایی که جامعه کوبا با آن‌ها مواجه است.

حزب ما برای گام زدن در راه تحقق آرمان عالی بنای سوسیالیسم، که اکثریت قاطع مردم کوبا در همه‌پرسی قانون اساسی آن را تأیید کرده‌اند، وظیفه حفظ وحدت و انسجام مردم و اجماع اجتماعی را برعهده دارد. همه اینها ما را سوق داده است به سمت مقاومت خلاقانه در برابر تمایل امپریالیسم به تفرقه انداختن بین ما و تضعیف استحکام و توانایی ما در مبارزه. حزب ما در امر "داشتن پیوند نزدیک با قلب استوار و لطیف مردم" هم آموزش می‌دهد و هم می‌آموزد، مسئولیت فردی رزمندگان خود را بیشتر، و رهبری جمعی را تقویت می‌کند.

کار حزب در عرصه ایدئولوژیک بر تئوری مارکسیستی، بر گفتارهای [خوزه] مارتی، بر میراث عظیم فیدل، بر آموزه‌های راتول، بر سنت‌های مبارزاتی مردم، بر تجربه تاریخی ملت کوبا، و بر تجربه تاریخی سایر خلق‌ها و ملت‌ها استوار است.

رفقای هم‌زرم،

ضمن آنکه قدرت در تنوع را می‌پذیریم، بیباید هدف‌های استراتژیک مشترک خود را اولویت‌بندی کنیم. بیباید تجربه‌ها و دستاوردهای بی‌تردیدی را که به همت مبارزه خستگی‌ناپذیر و سازندگی جمعی به دست آمده و بی‌شک بخش‌های چشمگیری از توده‌های مردم و زحماتشان را رها کرده و به خلق‌ها کرامت بخشیده است، فروتانه قدر بدانیم.

بیباید به شکل‌های متفاوت سازمان‌دهی مبارزه، که هر کشور و هر منطقه بر اساس واقعیت مشخص خود تعیین کرده است، احترام بگذاریم.

بیباید از تجربه‌های به دست آمده در تاریخ مبارزه و مقاومت هم‌مان درس بگیریم. بیباید بر تفاهم، اجماع، و بیان مشترک تکیه کنیم.

بیباید فردگرایی، تفرقه و فرقه‌گرایی، و رفتارهایی را که اختلاف‌ها را عمیق‌تر و



## ادامه گزارشی از برگزاری موفق نشست ...

بی‌اعتمادی را تشدید می‌کنند. اجماع را از بین می‌برند، و به نفع امپریالیسم‌اند، به دور افکنیم. تفرقه همیشه به نفع نیروهای است که سرمایه‌های مالی بین‌المللی، ضدانقلاب، و امپریالیسم را نمایندگی می‌کنند. ما وظیفه اجتناب‌ناپذیر مشترکی داریم: تشکیل سازمان‌های سیاسی جوانان که به سهم خود باید کارشان را متوجه گروه‌های گسترده و متکثری کنند که امروزه تحت تأثیر جدی بیگانگی و غیرسیاسی شدن قرار دارند. موضوع جوانان یکی از موضوع‌های تاریخی اصلی بوده است و خواهد بود. ما مسئولیت داریم که مشارکت فعال و یکپارچه آنها را در مبارزه تقویت کنیم. نقش پیشاهنگ نسل‌های جدید در ساختمان و مدیریت زمان حال باعث می‌شود که آنها آینده را نیز با مسئولیت‌پذیری و احساس تعلق به پیش برند. هدف‌های اصلی نشست‌های بین‌المللی حزب‌های کمونیست و کارگری ایجاد محیطی برای تأمل، تبادل نظر، همکاری، توافق بر سر مواضع و اقدام‌های متقابل، و همبستگی انترناسیونالیستی بوده است. برای رسیدن به این هدف، ما باید روابط شفافی مبتنی بر اعتماد و صداقت، احترام به تفاوت‌ها، و تقویت آنچه ما را متحد می‌کند، داشته باشیم.

حزب کمونیست کوبا برای این نشست‌ها، به‌مثابه محیطی مفید و ضروری برای تبادل نظر و همکاری بین حزب‌های کمونیست و کارگری جهان، ارزش قابل است، به‌ویژه در زمانه‌ای که ویژگی آن تهاجم شدید سرمایه‌داری به حقوق کارگران، کارزارهای ضدکمونیستی خشن، افزایش تهدید صلح و ثبات بین‌المللی، مانورهای بی‌ثبات‌سازی و اطلاعات نادرست، رفتارهای دوگانه، کاربرد اقدام‌های قهری، و جنگ‌های رسانه‌ای و فرهنگی است.

حزب کمونیست کوبا به شایستگی تاریخی نیروهای سیاسی‌ای که همواره در شکل‌گیری و بهبود کار این نشست‌ها مشارکت داشته‌اند آگاه است و خود را به اصول بنیادین این نشست‌ها متعهد می‌داند.

کوبا بر وظیفه عمیقاً انسانی خود در همبستگی با ملت‌های برادری که به تاریخ مبارزات خود وفادارند و در هر نقطه از جهان به مقاومت و سازندگی مشغول‌اند، تأکید می‌کند. ابراز همبستگی انترناسیونالیستی به معنای ادای دین به آنهاست است که از عزم ما برای ایجاد جامعه‌ای سوسیالیستی مبتنی بر قانون و عدالت اجتماعی و در دفاع از حق حاکمیت و استقلال ملی پشتیبانی کرده‌اند. در نتیجه، کوبای [خوزه] مارتی و سوسیالیسم فیدل [کاسترو] هرگز از همراهی با میهن [سیمون] بولیوار و هوگو چاوز دست نخواهد کشید. به دوستی میان این دو رهبر، که در مبارزه برای استقلال واقعی و یکپارچگی آمریکای لاتین و کارائیب شکل گرفته است، خیانت نخواهد شد.

برای کمونیست‌های کوبایی، پیروزی انقلاب بولیواری [در ونزوئلا] فصلی شگفت‌آور و تعیین‌کننده در تاریخ مبارزه در راه کسب استقلال، یکپارچگی، و علیه امپریالیسم در آمریکای لاتین و دریای کارائیب است. به همین دلیل، ما بر حمایت بی‌خدشه خود از این روند سیاسی، از اتحاد مدنی-نظامی آن، و از رفیق نیکلاس مادورو موروس تأیید می‌کنیم (کف زدن حاضران).

حزب ما بر همبستگی و پشتیبانی خود از انقلاب ساندینیستی تأکید می‌کند که امروزه در محاصره سیاسی، رسانه‌ای، و دیپلماتیک امپریالیسم آمریکا است.

آرمان‌های مردم پورتوریکو، فلسطین، و جمهوری دموکراتیک عربی صحرا همیشه از پشتیبانی بی‌قیدوشرط و قاطع ما برخوردار خواهند بود.

ما به تلاش‌های حزب‌های کمونیست جمهوری خلق چین، جمهوری سوسیالیستی ویتنام، جمهوری دموکراتیک خلق کره، و جمهوری دموکراتیک خلق لاوس در ایجاد سوسیالیسم درود می‌فرستیم.

ما به‌ویژه به کمونیست‌های چین برای برگزاری موفقیت‌آمیز کنگره اخیرشان، کنگره بیستم، تبریک می‌گوییم (کف زدن حاضران).

رفقای عزیز،

اجازه دهید از میان اندیشه‌های بسیار درست فرمانده کل قوا فیدل کاسترو روز، به صحبتی اشاره کنیم که او در اوایل سال ۱۹۶۰ گفت و برای ما به جا گذارد: «ما باید به شیوه‌های انقلابی، شیوه‌های نوین، شیوه‌های دموکراتیک، شیوه‌هایی مطابق با دموکراسی انقلابی و دموکراسی کارگری، عمل کنیم، زیرا سوسیالیسم یعنی همین. سوسیالیسم دقیقاً به معنای حکومت اکثریت کشور بر کشور است؛ و اکثریت آنهاست که کار می‌کنند، که تولید می‌کنند، که قانون انقلابی خود را به نیروی خود و با نیروی انرژی خود اعمال می‌کنند.»

در پایان، می‌خواهم به‌خاطر ابراز همبستگی‌های فراوانی که در این نشست با مبارزات قهرمانانه مردم کوبا در برابر تجاوز دائمی امپریالیسم آمریکا در تلاش برای در هم شکستن انقلاب شد، تشکر کنم.

ما با محاصره جنایتکارانه اقتصادی، تجاری، و مالی آمریکا، که در زمان رودررویی ما با همه‌گیری [کرونا] فرصت‌طلبانه تشدید شد، قاطعانه و خلاقانه مقابله کرده‌ایم. مردم کوبا نه در برابر کارزارهای رسانه‌ای و خرابکارانه با هدف

تحریف واقعیت و ایجاد تفرقه در میان ملت تسلیم شدند و نه در برابر پیامدهای اقتصادی قرار گرفتن ناعدالانه کوبا در فهرست جعلی کشورهای حامی تروریسم که مشکلات بیشتری را برای توسعه کشور و توجه به نیازهای مردم ایجاد می‌کند. هیچ مانعی نمی‌تواند عزم ما را برای مقاومت، مبارزه، و پیروزی سست کند! همبستگی شما با ما در این نبرد به ما انرژی می‌دهد و موجب دلگرمی ما می‌شود. شما نیز همیشه می‌توانید روی کوبا و انقلاب آن حساب کنید!

زنده باد سوسیالیسم!

زنده باد انترناسیونالیسم پرولتاری!

میهن یا مرگ!

ما پیروز می‌شویم!

(کف زدن حاضران)

### متن سخنرانی نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران در بیست‌ودومین نشست بین‌المللی حزب‌های کمونیست و کارگری

رفقای عزیز،

به‌نماینده‌ای از حزب توده ایران مایلیم از این فرصت استفاده کنیم و از حزب کمونیست برادر کوبا تشکر کنیم که میزبان این گردهمایی مهم کمونیست‌های جهان در سرزمینی است که در حال حاضر سوسیالیسم به رهبری حزب کمونیست در آن در حال ساخت است. نشست کنونی ما در هاوانا نخستین نشست حضوری ما از زمان آغاز همه‌گیری کووید است. و چه کشوری مناسب‌تر از کوبا برای برگزاری این نشست که نه فقط برای خودش، بلکه همچنین برای کمک به دیگر کشورهای جهان در مهار کردن این همه‌گیری تلاش چشمگیری کرد.

بیست‌ودومین نشست بین‌المللی حزب‌های کمونیست و کارگری در بحبوحه وضعیت چالش‌برانگیزی برگزاری می‌شود که در آن جامعه بشری نه فقط با بحران عمیق سرمایه‌داری روبه‌روست، که از سال ۲۰۰۸ تا کنون ادامه دارد، بلکه در پی حمله روسیه به اوکراین- رخدادی که به امپریالیسم و برنامه‌های آن در گسترش ناتو در اروپا خدمت کرد- امکان وقوع درگیری نظامی جهانی نیز افزایش یافته است.

### توازن جهانی نیروها

رفقای عزیز،

چند روز دیگر، صدوپنجمین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر است که جهان را دگرگون کرد و برای نخستین بار در عمل ثابت کرد که جایگزینی واقعی و عملی برای سرمایه‌داری وجود دارد. به‌رغم عقب‌نشینی‌های جنبش کمونیستی و طبقه کارگر در پی فروریز اتحاد شوروی و دولت‌های بلوک شرق، که نظریه‌پردازان سرمایه‌داری آن را «پایان تاریخ» (تفسیر کردند، سی سال پس از آن روزها، امروزه آرمان‌های مارکس و انگلس و لنین برای داشتن دنیای بهتر و فارغ از استثمار بار دیگر همه‌گیر شده است و برای تحقق آنها کوشش می‌شود.

از نظر ما، توازن جهانی نیروها در برابر سلطه و سرکردگی آمریکا در حال تغییر است، زیرا آمریکا دیگر نمی‌تواند «نظم جهانی» (را به سود خود حفظ و تحکیم کند. یک عامل مهم در این تغییر تدریجی، توسعه اقتصادی چشمگیر چین و پیشرفت آن در عرصه فناوری است. آمریکا و متحدان کلیدی اروپایی‌اش برای مقابله با این وضع، جهان را به سمت «جنگ سرد جدید» خطرناکی سوق می‌دهند که چین را هدف قرار داده است، حتی در حالی که چین فعالانه از هرگونه موضع‌گیری تهاجمی خودداری می‌کند و خواهان صلح و همکاری است. همان‌طور که در حال حاضر در اوکراین شاهدیم، هر محاسبه غلط به‌راحتی ممکن است «جنگ سرد» را به «جنگ گرم» و درگیری نظامی همه‌جانبه‌ای بکشاند که برای جامعه بشری فاجعه‌بار خواهد بود.

همبستگی با کوبا ضروری است!

رفقای گرامی،

آمریکا به‌روشنی نشان داده است که برای حفظ منافع و پیشبرد سیاست‌های امپریالیستی خود حاضر است از سلاح قدرت مالی جهانی خود علیه هر کشور یا ملتی- به‌ویژه علیه کوبا و ونزوئلا، و حتی ایران- استفاده کند. فقط نیروهای مترقی هستند که با چنین شیوه‌های غیرانسانی و رذیلانه مخالفت می‌کنند، در حالی که به‌اصطلاح «جامعه جهانی»، زیر سیطره نوحافظه‌کاران و لیبرال دموکرات‌ها و سوسیال دموکرات‌ها در دولت‌های پیشرفته سرمایه‌داری، و نیز رسانه‌های شرکتی،

## ادامه گزارشی از برگزاری موفق نشست ...

یا در این باره سکوت می‌کنند یا حتی از این شیوه‌ها حمایت ضمنی می‌کنند. ایالات متحده آمریکا همچنان انقلاب کوبا و ارمان‌ها و دستاوردهایش را تهدیدی شیطانی در قاره آمریکا نشان می‌دهد. هدف از محاصره اقتصادی و تحریم‌های غیرانسانی علیه کوبا، که ۶۲ سال است اعمال می‌شود، عقیم گذاشتن تلاش‌های کوبا در ادامه راهش برای ساختن سوسیالیسم است. دولت‌های پاپی آمریکا حق ملت کوبا برای تصمیم‌گیری درباره آینده خود را آشکارا تهدید کرده‌اند. دولت بایدن به همان سیاست خارجی رئیس‌جمهور قبلی ادامه می‌دهد که برای برانگیختن ناآرامی‌های داخلی و دامن زدن به آنها، با هدف سرنگونی دولت سوسیالیستی کوبا، تلاش کرد.

حزب توده ایران همواره از حامیان سرسخت انقلاب کوبا و اهداف عالی آن برای ساختن سوسیالیسم بوده است و همراه با مردم کوبا و حزب کمونیست کوبا، همچنان به این حمایت خود ادامه خواهد داد.

حزب توده ایران سیاست‌های مداخله‌گرانه و تحریک‌آمیز امپریالیسم به سرکردگی آمریکا در کوبا و کشورهای دیگر را محکوم می‌کند. حزب توده ایران همراه با همه مردم و نیروهای پیشرو در سراسر جهان خواستار لغو بدون قید و شرط تمام تحریم‌های تحمیلی آمریکا بر کوبا است. اکثریت قاطع کشورهای جهان بارها در مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسماً خواستار پایان دادن به تحریم‌های آمریکا علیه کوبا شده‌اند. فقط دولت آمریکا و دولت نژادپرست اسرائیل همواره به این خواست رأی مخالف داده‌اند.

## در ایران، مردم برای آزادی، کرامت، صلح، و عدالت مبارزه می‌کنند

رفقای عزیز، طی چند هفته اخیر، ایران در تمام ۳۱ استان خود و در بسیاری از شهرها و شهرستان‌ها بار دیگر شاهد خیزش توده‌ای تازه‌ای بوده است. معترضان خواستار حقوق بنیادی انسانی و دموکراتیک خود و خواستار عدالت اجتماعی‌اند. اکنون، معترضان آشکارا خواستار پایان دادن به دیکتاتوری دین‌سالار حاکم هستند. این اعتراض توده‌ای چهارمین خیزش گسترده و پیگیر در ۱۲ سال اخیر است. خیزش کنونی به‌روشنی نشان می‌دهد که مردم ایران عمیقاً و به‌طور گسترده دست رد به سینه دیکتاتوری حاکم و احکام ارتجاعی آن زده‌اند. زنان و دانشجویان و جوانان در پیشاپیش صفوف این مبارزه قرار دارند.

اعتراض‌های گسترده کنونی در ادامه دو سال اعتصاب مداوم و گسترده کارگران و معلمان و دانش‌آموزان، و همچنین تظاهرات زنان و دانشجویان علیه سیاست‌های ظالمانه و ضد‌مردمی رژیم حاکم صورت می‌گیرد که فقر بی‌سابقه‌ای برای مردم ایران به همراه داشته است.

حتی بر اساس آمار خود رژیم، تقریباً ۴۰ درصد از جمعیت ایران در زیر خط فقر زندگی می‌کنند. این وضعیت نتیجه ده‌ها سال اجرای سیاست‌های نولیبرالی در این حکومت است که صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی تجویز و تشویق کرده‌اند، و از جمله شامل خصوصی‌سازی بی‌رویه، ورشکستگی بسیاری از بنگاه‌های کوچک و متوسط، بیکاری سرسام‌آور، و پایمال شدن وحشیانه حقوق و حمایت‌های اجتماعی کارگران بوده است. منافع طبقاتی این رژیم همسویی تنگاتنگ و محکمی با منافع بورژوازی بزرگ فاسد و انگلی دارد که سمت‌گیری اقتصادی و سیاسی کشور را تعیین می‌کند.

خیزش بی‌وقفه زحمتکش ایران - به‌ویژه زنان، جوانان، دانشجویان، و (در روزهای اخیر) کارگران قراردادی در میدان‌های نفتی جنوب کشور - رژیم حاکم را با چالشی جدی روبه‌رو کرده است. حزب ما توجه دارد که نیروهای امپریالیستی و همدستان منطقه‌ای ارتجاعی آنها - به‌ویژه رژیم عربستان سعودی و دولت نژادپرست اسرائیل - قیام کنونی را فرصتی برای دخالت در امور ایران و تقویت نیروهای ضد‌دموکراتیک می‌بینند، نیروهایی مانند بقایای رژیم برکنار شده شاه و سازمان مجاهدین خلق مستقر در آلبانی که سعودی‌ها تأمین مالی می‌کنند.

حزب ما به‌صراحت اعلام کرده است که در برابر هرگونه مداخله امپریالیستی در ایران خواهد ایستاد. ما از همه نیروهای مترقی و چپ ایران خواسته‌ایم که همراه با یکدیگر به جبهه ضد‌دیکتاتوری برای برپایی دولت دموکراتیک - ملی بپیوندند که هدفش برقراری آزادی و استقلال و عدالت اجتماعی در ایران است.

رفقای عزیز، باید تأکید کنیم که در پشت لفاظی‌های ضد‌امپریالیستی پوچ رژیم ایران و مانورهای فراسرمزینی آن در منطقه، جمهوری اسلامی ایران مددکار همیشگی منافع امپریالیستی بوده است. این مددسازی را می‌توان در موارد متعدد دید: از حمایت جمهوری اسلامی از گنترها (ضدانقلابی‌ها) در نیکاراگوئه گرفته تا رابطه پنهانی جمهوری اسلامی ایران با آمریکا و رژیم اپارتاید آفریقای جنوبی در دهه ۱۹۸۰، تا مشارکت فعال و مکرر آن در بی‌ثبات‌سازی و سرنگون کردن جمهوری دموکراتیک خلق افغانستان. [و از مشارکت در جنگ داخلی در تاجیکستان و در تهاجم و اشغال بعدی هر دو کشور افغانستان و عراق، تا حمایت مداوم از برخی از

ارتجاعی‌ترین نیروهای منطقه (از جمله طالبان). و اینها فقط چند نمونه از کارنامه ضد‌امپریالیستی ادعایی جمهوری اسلامی ایران است!

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران فقط با غریزه حفظ و بقای رژیم دین‌سالار حاکم تدوین می‌شود. به همین علت، بر خلاف تبلیغات خودش، نه فقط رهبری رژیم به توافق با آمریکا خواهد رسید (همان‌طور که در گذشته رسیده است) بلکه به همکاری برای تأمین منافع امپریالیسم به سرکردگی آمریکا در منطقه ادامه خواهد داد. سیاست‌های خارجی این رژیم ماجراجویانه و خطرناک است و به‌هیچ‌وجه، نه نماینده منافع مردم ایران و نه در خدمت منافع مردم ایران است!

رفقای گرامی، کنگره هفتم حزب توده ایران در خرداد ۱۴۰۱ با موفقیت برگزار شد. اسناد اصلی سیاست‌های حزب که در کنگره تصویب شد، بر اساس آماده‌سازی زمینه - در شرایط مشخص کنونی - برای تحقق انقلاب ملی - دموکراتیک تدوین شده است. در این مقطع زمانی، انقلاب ملی - دموکراتیک تنها وسیله برای گذار ایران از چنگال دیکتاتوری به مرحله‌ای است که بتوان در آن دگرگونی‌های بنیادی ضروری را به دست مردم و برای تأمین منافع مردم تحقق بخشید، و در نهایت، زمینه ساختن سوسیالیسم در ایران را آماده کرد. سلطه رژیم ولایی و اسلام سیاسی بر ایران از زمان شکست انقلاب مردمی ۱۳۵۷ در اوایل دهه ۱۳۶۰، مانع ایجاد دگرگونی‌های بنیادی ضروری در ایران برای تضمین صلح و حاکمیت ملی، تأمین حقوق و آزادی‌های انسانی و دموکراتیک، و تحقق عدالت اجتماعی بوده است. آنچه در واقع در طول ۴۰ سال گذشته در ایران رخ داده است خیانت به آرمان‌ها و اهداف اصلی انقلاب ۱۳۵۷ و شکست خوردن انقلاب است. بیشتر آن آرمان‌ها و هدف‌ها امروزه نیز همچنان تحقق نیافته باقی مانده است. تجربه ما با آموخته است که انقلاب ملی - دموکراتیک تهدیدی برای امپریالیسم آمریکا و سلطه آن است. بنابراین، از این دیدگاه، ما مبارزه با امپریالیسم را عنصری مهم در روند تدارک و تحقق انقلاب ملی - دموکراتیک و در واقع در تثبیت دستاوردهای درازمدت آن می‌دانیم.

در این مبارزه، اهمیت زیادی دارد که ما کمونیست‌ها اعتماد و اطمینان زحمتکش‌ان و همچنین طیفی از دیگر قشرهای اجتماعی را به دست آوریم تا بتوانیم جبهه متحد خلق را بسیج کنیم. تحقق این امر فقط از راه تلفیق خواست تأمین حقوق بشر و حقوق دموکراتیک با دگرگونی‌های بنیادی برای بهبود وضعیت اجتماعی و اقتصادی اکثریت مردم ممکن است.

بدون ایجاد جبهه گسترده متحد خلق پیش‌گفته، نیروهای ارتجاعی می‌توانند در جنبش نفوذ پیدا کنند و سپس قدرت سیاسی را به دست گیرند، همان‌طور که در سال ۱۳۵۷ در ایران پیش آمد.

قدرت‌گیری سیاسی راست افراطی و فاشیستی در چند سال اخیر در چند کشور، از جمله در آمریکا، آشکار بوده است. این همان آمریکایی است که به نام «دموکراسی» شش دهه تحریم بر کوبا اعمال کرده و برای فرونشاندن خواست مردم در کشورهای دیگر، کودتاهای بی‌شماری ترتیب داده است.

یکی دیگر از پیامدهای ناتوانی و ناکامی در ایجاد جبهه گسترده متحد خلق علیه رژیم‌های ارتجاعی محلی و امپریالیسم، ناتوانی در دفاع از صلح جهانی، محیط‌زیست جهان، و در واقع دفاع از کل جامعه بشری است. همان‌طور که پیامدهای وقایع اسف‌بار جنگ روسیه و اوکراین نشان داده است، جهان - به پیشتاز آمریکا و ناتو - به سمت نظامی شدن سریع رفته است، و اکنون چشم‌انداز درگیری فجیع‌تری، حتی جنگ هسته‌ای، آشکارا در هر دو طرف دیده می‌شود. در نهایت، ریشه بحران‌های عمده‌ای که بشر در حال حاضر با آنها مواجه است، در سرمایه‌داری نهفته است.

سرمایه‌داری در بحران طولانی عمیقی قرار دارد و می‌بینیم که نیروهای راست افراطی، همراه با گرایش‌های نظامی‌گرایانه، بار دیگر در حال ظهورند. این وضعیت خطرناکی برای بشر است. ولی در عین حال، فرصتی است برای کمونیست‌ها و دیگر نیروهای مترقی که با سرمایه‌داری و سیاست‌های آن، تهدید فاشیسم، و جنگ مقابله کنند و برای دفاع از صلح، محیط‌زیست، حقوق کارگران، همبستگی، و سوسیالیسم بکوشند. بر عهده ماست که این فرصت را از دست ندهیم و از مسئولیت خود در این عرصه شانه خالی نکنیم.

سرمایه‌داری نه‌فقط برای بحران‌های خطرناکی که امروزه جامعه بشری با آنها روبه‌روست هیچ راه‌حلی ندارد، بلکه خود عامل اصلی این مشکلات است. البته، همه ما می‌دانیم که پیشروی به سوی سوسیالیسم فرایندی شدنی ولی پیچیده است که در هر کشوری متفاوت خواهد بود و به مرحله توسعه اجتماعی و اقتصادی بستگی دارد. با این حال، تغییری لازم و حیاتی است که به‌خاطر بشر و سیاره ما باید صورت گیرد.

به همه شما در مبارزه‌تان در راه تحقق صلح، پیشرفت، و سوسیالیسم درود می‌فرستیم.

پیروز باشید.

زنده باد همبستگی انترناسیونالیستی.  
با دروهای رفیقانه،  
کمیته مرکزی حزب توده ایران



کشور  
[بدجایی]، به  
دست پلیس  
امنیت

اخلاقی" [گشت ارشاد] در تهران دستگیر و مورد بدرفتاری قرار گرفت. او چند روز بعد در بیمارستان در وضعیتی "مشکوک" درگذشت. مرگ مهسا موج گسترده‌ای از اعتراض علیه رژیم ولایتی را برانگیخت که به‌ویژه زنان در پیشاپیش آن قرار دارند. این موج یکی دیگر از موارد اعتراض‌های مردم ایران و در ادامه آنهاست. مردم ایران دچار فقر و مشکلات فزاینده زندگی روزمره‌اند. از سال ۲۰۲۱، اعتراض‌های مکرر در واکنش به کمبود آب و سانسور صورت گرفته است. در ماه مه ۲۰۲۲، اعتراض‌هایی در واکنش به افزایش قیمت مواد غذایی اساسی، به‌ویژه فراورده‌های غلات، صورت گرفته است. این نارضایتی و انزجار، از اواسط ماه سپتامبر گذشته، با خشم مردم از اعمال قوانین ارتجاعی و سرکوبگرانه در آمیخته است که زندگی روزمره مردم، به‌ویژه زندگی زنان، را تحمل‌ناپذیر کرده است.

ما با زنان و جوانانی که برای کسب آزادی فردی و دموکراسی در ایران پیکار می‌کنند ابزار همبستگی می‌کنیم.

اعتراض‌های جاری، که از استان کردستان آغاز شد، اکنون به سراسر کشور و طبقات گوناگون اجتماعی گسترش یافته است. دانشجویان در ۸۰ دانشگاه، از جمله در دانشگاه‌های تهران، شریف، اصفهان، و فردوسی، راه اعتراض را نشان می‌دهند. آنها دیگر حاضر به پذیرش تفکیک جنسیتی نمی‌باشند. کارگران در شرکت‌های صنعت نفت نیز اعتصاب می‌کنند و اتحادیه صنفی معلمان خواستار اعتصاب سراسری است. شعار "زن، زندگی، آزادی"، که در مبارزات آزادی‌خواهانه خلق گرد مطرح شد، اکنون در کل جنبش اعتراضی گسترش یافته است.

رژیم ولایتی با مشت آهنین به اعتراض‌ها واکنش نشان داد و پلیس و نیروهای مسلح را به مقابله با مردم فرستاد. صدها نفر در اثر خشونت پلیس جان باختند و عده زیادی زخمی شدند. تعداد بازداشت‌شدگان احتمالاً از ۱۰ هزار نفر بیشتر شده است.

واکنش قدرت حکومتی نشان می‌دهد که رژیم ولایتی از مردم خود در هراس است و بنابراین در برابر هر مقاومتی با تمام قدرت مقابله می‌کند. با وجود این، مبارزه زنان، جوانان، دانشجویان، و کارگران ایران ادامه دارد. ما با مبارزه آنها ابزار همبستگی می‌کنیم و همراه با آنها خواهان آزادی همه دستگیرشدگان و پایان دادن به برخورد نظامی با غیرنظامیان هستیم. زنده باد همبستگی انترناسیونالیستی! حزب کمونیست اتریش - اشتایرمارک

### بیانیه حزب کمونیست اسپانیا در همبستگی با رفقای حزب توده ایران

در هفته‌های اخیر، در سراسر ایران تظاهرات متعددی علیه دیکتاتوری ولایتی اوج گرفته است که خواستار رعایت حقوق بشر و پایان دادن به حکومت دیکتاتوری است. در خط مقدم این اعتراض‌ها، زنان و دانشجویان و در روزهای اخیر کارگران مناطق نفت‌خیز جنوب قرار دارند. زحمتکشان ایران، پس از دو سال اعتصاب و اعتراض گسترده، می‌گویند دیگر بس است. این اعتراض‌ها در واکنش به سیاست‌های نولیبرالی رژیم در پیروی از دستورهای صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی است که طبق آمارهای دولتی، جمعیت ایران را به سطح فقری بی‌سابقه سوق داده است (۴۰ درصد مردم زیر خط فقر زندگی می‌کنند).

در این وضعیت، حزب کمونیست اسپانیا از رفقای خود در حزب توده ایران حمایت می‌کند و دیگران را به این حمایت فرا می‌خواند. حزب توده ایران از ارکان اساسی حمایت از این اعتراض‌هاست گرچه دهه‌هاست که خود تحت پیگرد و سرکوب بوده است.

ما نیز، مانند رفقای حزب توده ایران، هرگونه مداخله خارجی و سوءاستفاده از اعتراض‌های برحق در ایران را محکوم می‌کنیم. در ضمن، فراموش نمی‌کنیم که به‌رغم لفاظی‌های ضدامپریالیستی رژیم ایران در ظاهر و مانورهای برون‌مرزی آن در منطقه، ادامه در صفحه ۱۵

## همبستگی فعال جنبش کارگری کمونیستی در کشورهای جهان با مبارزه مردم ایران برای عدالت، آزادی و دموکراسی

همگام با تداوم امید بخش جنبش قهرمانانه مردم ایران و به ویژه زنان، جوانان و دانشجویان و دانش آموزان کشور بر ضد رژیم ولایتی و دسنگاه استبداد حاکم همبستگی حزب های کمونیست و کارگری، جوانان کمونیست و اتحادیه های کارگری در جهان با این جنبش گسترش یافته است. در کنفرانس سالانه فعالان زن اتحادیه سراسری "یونایت" در بریتانیا در شهر ساحلی "بورن ماوث" در هفته اول آبان ماه قطعنامه جامعی در رابطه با جنبش "زن، زندگی، آزادی" با اکثریت قاطع به تصویب رسید. در این کنفرانس فعالان ترقی خواه انگلیسی بیانیه مشترک "تشکیلات دموکراتیک زنان ایران" با بیش از ۲۰ سازمان زنان دموکراتیک و ترقیخواه جهان و نیز نشریه "ایران امروز" که سازمان همبستگی "کودیر" منتشر می کند، در میان شرکت کنندگان پخش کردند. نشریه "اوانگارد" وابسته به جوانان کمونیست فرانسه با انتشار مصاحبه ای با یک رفیق جوان توده ای چگونگی زندگی و مبارزه جوانان ایران در جو خفقان و فساد و بی عدالتی حاکم در جمهوری اسلامی را بازتاب داد. همچنین "جوانان" نشریه سازمان جوانان "ادون قبرس" در مصاحبه ای دیگر تصویری جامع از خواست های جوانان و زنان ایران و شعار های آنان را ارائه داد. اتحادیه های کارگری و نهاد های دانشجویی در بریتانیا، اتریش و فرانسه نیز به شیوه های ابتکاری گوناگون ابتکارات همبستگی خود را با مردم، جوانان و زحمتکشان ایران نشان دادند. در شماره های آتی "نامه مردم" گزارش تفصیلی این ابزار همبستگی ها منتشر خواهد شد. در ادامه ترجمه فارسی پیام های همبستگی رسیده از حزب های کمونیست ترکیه، اتریش و اسپانیا و همچنین اعلام همبستگی سازمان مدافع حقوق زنان در سری لانکا با مبارزه مردم ایران را برای اطلاع خوانندگان منتشر می کنیم.

### بیانیه همبستگی حزب کمونیست ترکیه با مبارزه مردم ایران با رژیم ولایت فقیه

به مناسبت ادامه اعتراض‌ها و مقاومت مردم در نقاط متعدد ایران طی هفته‌های اخیر، مایلیم از طرف حزب کمونیست ترکیه دیدگاه‌ها و همبستگی رفقانه خود را بیان و ابراز کنیم.

رژیم سرمایه‌داری اسلام‌گرای ایران مسبب نابرابری‌ها، بی‌عدالتی‌ها، جنایت علیه مردم، و تاریک‌اندیشی است که کل کشور را در بر گرفته است.

ما کمونیست‌های کشور همسایه، قیام و مقاومت مردم، زنان، و جوانان ایران را به‌دقت دنبال می‌کنیم و شجاعت، امیدواری، و عزیمت و اراده آنان را می‌ستاییم. با وجود این، به نظر ما، مطالبات مردم باید شفاف و مستقل باشد. مبارزه باید سازمان‌دهی شود تا هیچ نیروی دیگری، چه در داخل و چه در خارج از کشور، نتواند آن را انحراف بکشد. اینکه منافع قدرت‌های امپریالیستی همیشه منطبق با منافع طبقه حاکم در ایران نیست، نباید مبارزه طبقاتی در این کشور خاص را زیر سایه قرار دهد. آنچه رژیم ولایتی از آن بهره می‌گیرد مناسبات سرمایه‌داری کار، ظلم و سرکوب فزاینده، و نقض حقوق ابتدایی انسان‌ها و حقوق اجتماعی و صنفی و آزادی‌های مردم به‌نام شریعت اسلام است. ما، بنا بر تجربه خود در ترکیه، به‌خوبی با این سازوکار آشنا هستیم.

مردم ایران، که تاریخ و فرهنگی غنی و تجربه‌ای طولانی در مبارزه دارند، شایسته آینده‌ای آزاد، برابر حقوق، روشن‌بین، و سکولار هستند. در همین ارتباط، ما به تلاش‌های بی‌وقفه حزب توده ایران در راه نزدیک‌تر کردن تحقق این آینده درود می‌فرستیم و بر ادامه همبستگی خود با آن حزب تأکید می‌کنیم.

زنده باد مبارزه مردم برای برابری و آزادی!

زنده باد انترناسیونالیسم پروлетری!

زنده باد سوسیالیسم!

### بیانیه حزب کمونیست اتریش تظاهرات در ایران ادامه دارد - همبستگی ما مهم است!

مهسا (به زبان کردی "ژینا") امینی، زن ۲۲ ساله کرد ایرانی، در روز ۱۳ سپتامبر، به دلیل رعایت نکردن پوشش اسلامی مطابق با قوانین ارتجاعی



## جنگ‌های حجاب در هند و ایران: مسئله خودمختاری (اتونومی) زنان

بریندا کارات - عضو هیئت سیاسی حزب کمونیست هند (مارکسیست) و هم‌چنین معاون رئیس "انجمن زنان دموکراتیک سراسر هند" - در این باره که چرا بین حمایت از زنان ایرانی که حجاب یا روسری‌شان را آتش می‌زنند و حمایت از زنان کارناتاکا ( ایالتی در جنوب غرب هندوستان) که برای حق داشتن حجاب مبارزه می‌کنند، تضادی وجود ندارد، روشن‌گری می‌کند:

تصویرهای زنان در ایران که حجاب یا روسری‌شان را آتش می‌زنند قلد‌رهای رسانه‌های اجتماعی "بی‌جی پی" (حزب مودی حزب حاکم هند) را برانگیخت تا بر زنانی که با قدغن کردن حجاب در مؤسسه‌های آموزشی از سوی دولت کارناتاکا مخالف‌اند، طعنه بار کنند. یکی از آنان گفت: "این تصویرها را به زنان بی‌شرم هندی که می‌خواهند دختران را با حجاب بیوشانند نشان دهید." طبق معمول این قلد‌رها اشتباه می‌کنند.

در ایران مرگ مهسا امینی، دختر ۲۲ ساله گرد، در حین بازداشت در تهران، به رشته‌های اعتراض‌های گسترده کشیده شده است. مهسا به خاطر "بد حجایی" از سوی نهاد بدنام "گشت ارشاد" دستگیر شده بود. شاهدان گفته‌اند چندین بار بر سر او ضربه زده شده بود و به این دلیل در بازداشت پلیس جان داد. صدها زن و دختر در اقدام‌هایی سرکش و ابراز همبستگی‌هایی دلیرانه آتش افروختند و در اعتراض به حجاب دستوری روسری‌های‌شان را در آن آتش انداختند.

عده‌ای از معترضان [حدود ۳۰۴ نفر تا کنون] کشته شده‌اند. در مراسم خاکسپاری یکی از این جان‌باختگان، خواهر عزارارش در اعتراض نمادینی مؤثر، روسری‌اش را پاره و موهایش را قیچی کرد و مشت‌های موهایی قیچی شده‌اش را بر تابوت برادر جان‌باخته‌اش نهاد. متعاقب آن سبلی از ویدئوهایی دیگر از زنان جوان و دخترانی که موهای‌شان را می‌بریدند و روسری‌های‌شان را دور می‌انداختند با آتش می‌زدند به عرصه رسانه‌های اجتماعی روان شدند. پلیس در سرتاسر ایران اعتراض‌ها را سرکوب می‌کند. ما با اعتراض‌های زنان و دختران ایران در همبستگی کامل‌مان را اعلام می‌کنیم. ما در خشم و طغیان آنان خود را شریک می‌دانیم.

اینجا، در کارناتاکا، زنان جوان از دستور دولت به ممنوع بودن ورودشان با حجاب‌شان به کالج‌ها سربلجی کرده‌اند، و در مقابل، با حجاب‌شان در بیرون دروازه‌های ورودی انستیتوهای‌شان ایستاده و خواستار اجازه ورود شدند. آنان در معرض طعنه و آزار و تهدید آدم‌های شروری قرار گرفته‌اند که از طرف حکومت حمایت می‌شوند، اما دوچار هراس نشده‌اند و مبارزه‌شان را به دادگاه عالی کشانده‌اند. ما با اعتراض آنان ابراز همبستگی می‌کنیم. ما در خشم آنان نسبت به انتخاب یا تحصیل یا عقیده خود را شریک می‌دانیم.

ما به‌همان اندازه که از زنان و دختران ایران که روسری را همچون نماد سرکوب به‌آتش می‌کشند حمایت می‌کنیم، از زنان جوان در کارناتاکا که خواستار حق داشتن حجاب هستند نیز حمایت می‌کنیم. آیا این حمایت‌ها در تناقض با یک‌دیگرند؟ دلیل‌هایی چند وجود دارند که حمایت از هر دو مورد درست و عادلانه است.

اعتراض‌ها و برون‌رفت‌ها زمینه سیاسی دارند. گرچه این اعتراض‌ها در ظاهر امر درباره "حجاب" هستند مخرج مشترکشان این است که: آیا یک زن حق تصمیم‌گیری دارد که چه لباسی بپوشد، با چه کسی معاشرت کند، و چه کسی را برای شریک زندگی خود انتخاب کند؟

برای درک زمینه هر دو اعتراض‌ها، مسئله خودمختاری زنان و حق‌شان بر بدن و گرایش جنسی‌شان ضروری است. گاهی ممکن است اتفاق بیفتد که نیروهایی اساساً مخالف و متضاد با هم در قضیه‌ای موضعگیری‌ای همسان داشته باشند. این را فقط باید با یک معیار قضاوت کرد و آن معیار این است: آیا از حق زنان برای خودمختاری و انتخاب حمایت می‌کند یا نه؟

واقعیت امر این است که در جامعه‌های سرمایه‌داری و فئودالی، به‌طورکلی مفهوم "انتخاب" نسبی است. در دنیایی کاپیتالیستی فرهنگ منعکس‌کننده

واقعیت‌های طبقاتی‌ست به‌نحوی که یک زن از طبقه کارگر یا یک جوان بی‌کار به‌دلیل نابرابری‌های اجتماعی اقتصادی بندرت حق انتخاب واقعی دارند.

اما این برپایی مبارزات در پیش راندن استنباط از آزادی و خودمختاری از طریق قانونگذاری، شبکه‌های نهادین و اجتماعی ماورای ساختارها برای پشتیبانی از استباط‌ها و حقوقی مانند خودمختاری و انتخاب را به‌هیچ‌وجه متوقف نمی‌کند. در جامعه‌هایی نظیر هند که گرفتار شرارت‌هایی مانند نظام کاستی و هم‌چنین در دهه اخیر با ترویج ایدئولوژی‌های خشونت‌آمیز

اکثریت جامعه که از حمایت دولتی برخوردار است، "خودمختاری و حق انتخاب" به سیاست ایجاد شده از سوی کاستیسم و کمونالیسم منوط وابسته‌اند. طیف‌های مختلف بنیادگرایی پرده دیگری را به مشروط شدن انتخاب، حقوق، و آزادی‌ها اضافه می‌کنند. تاریخچه قوانین محدود‌کننده در ایران و هند ناگزیر با شرایط حاکم بر جامعه‌های آن‌ها مرتبط هستند. در ایران، "حجاب" به نماد مبارزه زنان برای احقاق حقوق‌شان تبدیل شده است.

تا سال‌های ۱۳۰۹ (۱۹۳۰)، هیچ مقرراتی سختگیرانه برای لباس وجود نداشت. با روی کار آمدن حکومت رضاشاه موجی از تغییرهای فرهنگی غرب‌گرایانه از سوی او به‌راه افتاد. در سال‌های دهه ۱۳۱۰ (۱۹۳۰) پوشیدن حجاب ممنوع شد. زن با حجاب مجازات می‌شد.

در آن زمان به پلیس امنیتی [تأمینات] دستور داده شد که حجاب را به‌زور از سر و تن زنان بردارند. به مردان نیز دستور داده شد که کلاه شاپو [یا کلاه معروف به کلاه پهلوی] بر سر بگذارند! این تحمیل عجیب در جامعه‌ای شد که در هر حال اکثریت زنان روستایی که در مزارع کار می‌کردند یا به کارهایی یدی مشغول بودند به‌ندرت "حجایی مناسب" داشتند. عمدتاً زنان شهری طبقه بالا حجایی مناسب داشتند اما به‌هر حال با خشونت علیه زنان با حجاب این وضع تغییر کرد. زمانی که به‌زور حجاب زنان را برداشتند واکنشی شدید در برابر آن به‌وجود آمد و اعتراض‌هایی صورت گرفتند. زنان بیشتری به‌نشانه اعتراض به رژیم حاکم پوشیدن حجاب را آغاز کردند.

در سال ۱۳۲۰ (۱۹۴۱)، حاکم کناره‌گیری کرد و رژیم محمدرضاشاه جایگزین او شد که ممنوعیت حجاب را لغو کرد، و کم‌وبیش داشتن حجاب به‌انتخاب زنان واگذار شد. مبارزه حجاب زمانی که رژیم شاه سرنگون شد به شکل کامل درآمد. اگرچه مبارزه با شاه بیشتر برای دموکراسی، آزادی‌های مدنی و حقوق شهروندی بود، اما همه قشرهای مردم ایران را دربر می‌گرفت، نتیجه نهایی اما این شد که قدرت به‌دست روحانیت افتاد و استبدادی‌ترین حکومت به‌نام اسلام تأسیس شد. اجباری بودن حجاب اعلام شد و به اعتراض‌های گسترده زنان منجر گردید و قانون به‌حالت تعلیق درآمد. اما در سال ۱۳۶۲ (۱۹۸۳) قانونی برای حجاب اجباری به‌تصویب رسید و مجازات‌هایی شدید از جمله حبس، جریمه نقدی، و ۷۴ ضربه شلاق برای زنان بی‌حجاب [و بعداً بدحجاب] برقرار شد.

مبارزه زنان ایرانی برای لباس پوشیدن آن‌گونه که خود می‌خواهند موضوعی ادامه‌دار بوده است. بسیاری از زنان جوان خود را در این راه از دست داده‌اند، صدها نفر زندانی شده‌اند و صدها نفر در تبعید هستند. این مبارزه‌ای است که از سوی زنانی بسیار شجاع رهبری می‌شود. سوزاندن روسری نماد آنان است.

در سال‌های دهه اخیر در حاکمیت "بی‌جی پی"، برای پیش‌برد دستورکار سیاست‌های کمونال از نمادها و جشنواره‌های

مذهبی استفاده می‌شود. در پاسخ به آن، ادامه در صفحه ۱۳

## ادامه جنگ حجاب ها...

بنیادگرایان جامعه مسلمانان نیز بر زنان مسلمان فشار آورده‌اند تا به سنت و رسم پوشیدن بورکا (برقع) یا حجاب پایبند باشند. تعداد زیادی از زنان جامعه مسلمانان با حجاب هستند. بدون شک بر زنان مسلمان برای پوشیدن برقع فشار وجود دارد. در برخی مکان‌ها حتی دختران کوچک سربندی تنگ به سر بسته‌اند که قبلاً چنین نبود. بدون شک این بازتابی از نفوذ فزاینده بنیادگرایان در جامعه است. اما در هند، زنان مسلمان به‌رغم گرفتار بودن در چنبره فشار بنیادگرایان ضد اصلاحات در جامعه‌شان و تهاجم‌های مسموم و موهن راستگرایان هندو از سوی دیگر، برای اصلاحات در چارچوب اعتقادشان به اسلام مبارزه کرده‌اند.

## این مبارزه‌های شجاعانه است که همه دمکرات‌ها باید از آن حمایت کنند.

سردرگمی ای عمدی ایجاد شده است که گویا کسانی که از دانش‌آموزان دختر کارناتاکا حمایت می‌کنند برای آن است که آنان برخلاف اونیفورم معمول و مقرر، برقع بپوشند. این کاملاً نادرست است. هیچ‌کس تا کنون با پوشیدن برقع یا پوشش صورت به کلاس درس نمی‌رفته است. موضوع مربوط به پوشیدن روسری بود که عموماً از آن به‌عنوان حجاب یاد می‌شود. انگیزه دولت کارناتاکا از ممنوعیت این پوشیدن روسری کاملاً سیاسی است. با توجه به انتخابات آتی، این ممنوعیت برای پیش بردن برنامه کمونال در جهت قطعی شدن است. در همسایگی این ایالت، در ایالت کرالا، دختران با لباس اونیفورم با حجاب در مدرسه و کالج‌ها شرکت می‌کنند. در بعضی جاها روسری با رنگ لباس، هماهنگ می‌شود.

## در کرالا به دلیل داشتن حجاب مشکلی به وجود نمی‌آید.

اینکه آیا روسری زنان در نظر من نمادی از ظلم است یا نه واقعاً بی‌اهمیت است. نکته اینجاست که با اجبار دختران به برداشتن حجاب (روسری)، دولت، دادگاه‌ها، و حکومت‌ها حق پایه‌ای آزادی وجدان را که با حق تحصیل و حق انتخاب فردی مرتبط است از بین می‌برند.

زنان در هر دو مورد به وسیله‌ای تبدیل شده‌اند که از طریق آن ایدئولوژی‌های بنیادگرا و اکثریت‌سالار از سوی صاحبان قدرت ترویج می‌شوند. از نظر تاریخی، زنان نه تنها از طریق اطاعت از رسوم و مقررات کاملاً تنظیم شده در مورد لباس، رفتار، و کنترل جنسیت خود ذخایر "ابروی" جامعه‌ها در نظر گرفته شده‌اند، بلکه چنین "ابرو"ی در هر تخریبی از رسوم و مقررات اشاره شده بی‌استثنا از شدیدترین مجازات‌ها سر درمی‌آورد.

در ایران، قدرت روحانیت حاکم بر چنان رسوم و مقرراتی به نام دین مَهری محو شدنی کوییده است. در هند، ما دیده ایم که ایدئولوژی‌های مسلط را در چارچوب کلی متون مذهبی اکثریت‌سالار مانند مانو اسمریتی به‌اجرا گذاشته‌اند. ما مورد آن را در جنبایات ناموسی دیده‌ایم که زوج‌های جوان یکدیگر را از کاست و جامعه دیگر انتخاب می‌کنند.

در هر جامعه‌ای که چنین محدودیت‌هایی به نام "ابرو" بر زنان تحمیل می‌شود، برای هر فرد دموکراتیکی وظیفه است که از اعتراض بر ضد تبدیل کردن زنان به نمادهای جعلی "ابرو" حمایت کند. زن را در مقام نماد جامعه هدف قرار می‌دهند و این عمیقاً مستبدانه است و باید با آن مخالفت کرد. این هم در ایران و هم در کارناتاکا صادق است.

بنابراین ما حمایت خود را از زنان و دختران شجاع ایران تکرار می‌کنیم. و در همبستگی با زنان جوان در کارناتاکا که می‌خواهند حجاب داشته باشند می‌گوییم که این انتخاب آنان و فقط آنان است.

۱. کشف حجاب در ایران - رضاشاه در زمان سلطنتش قانونی را در ۱۷ دی‌ماه ۱۳۱۴ فرمان داد که به‌موجب آن زنان و دختران ایرانی از استفاده از چادر، روبنده، و روسری در مدارس، دانشگاه‌ها، مراکز اداری و دولتی منع شدند و اطاعت نکردن از آن مجازات در پی داشت.

## ادامه گرسنگی و فقر...

نیست. این به‌درستی به همان نکته بحث ما اشاره دارد و به "تغییر سلیقه" ربطی ندارد. در همه‌جا والدین علاقه‌مند به آموزش فرزندان‌شان هستند، اما اگر به‌طور مشخص در کشوری فرستادن فرزندان به مدرسه مستلزم کنار گذاشتن غذا باشد، همه این گزاره‌ها نشان از افزایش فقر دارند. نشان از این دارند که افزایش قیمت یکی از کالاهای مصرفی مردم در سبد هزینه نتیجه‌اش افزایش هزینه‌های زندگی است. باید توجه داشت که این افزایش در هزینه‌های زندگی روزانه با افزایش درآمد همراه نیست و به کاهش مصرف دانه‌های غذایی منجر می‌شود. پس، این کاهش در مصرف دانه‌های غذایی برابر با افزایش گرسنگی است که بازتابی از افزایش هزینه‌های زندگی در نتیجه کاهش درآمد واقعی است. منظور از افزایش فقر به‌درستی همین است. به‌سخنی دیگر، هر گونه افزایش در درآمد واقعی مقداری افزایش در همه کالاهای مصرفی موجود در سبد را به دنبال دارد یا اینکه برخی از کالاها جایگزینی‌ای مناسب برای یکدیگر می‌شوند. همان‌طور که داده‌های مقطعی در هند و بین کشورها نشان می‌دهند، افزایش درآمد واقعی همواره به‌معنای افزایش مصرف دانه‌های غذایی است. این مصرف به‌تنهایی مصرف مستقیم نیست بلکه مصرف مستقیم و غیرمستقیم در کنار هم است. اما اگر کاهشی در کل مصرف مستقیم و غیرمستقیم دانه‌های غذایی وجود داشته باشد - همان‌گونه که در هند روی داده است - آنگاه نشان‌دهنده کاهش درآمد واقعی بیشتر مردم و در نتیجه افزایش فقر است. بنابراین پیوند بین گرسنگی فزاینده و فقر فزاینده همچنان باید به‌معنای کاهش درآمد واقعی اکثریت مردم و در نتیجه افزایش فقر باشد. بنابراین پیوند بین گرسنگی فزاینده و فقر فزاینده همچنان صادق است.

بر اساس برآوردهای رسمی و بانک جهانی، به‌نظر می‌رسد فقر در هند کاهش یافته است و بر این اساس این طور نموده می‌شود که دیگر ارتباطی بین فقر و گرسنگی برقرار نیست. آنان با تعریف دوباره "خط فقر" (سطح خاصی از خرج‌های سرانه پولی که به‌وسیله آن مردم "فقیر" محسوب می‌شوند) از این ادعا حمایت می‌کنند. این تعریف از "خط فقر" با به‌کارگیری شاخص هزینه زندگی به‌روز می‌شود. اما این شاخص همان‌طور که در هند ساخته شده است افزایش هزینه‌های زندگی به‌دلیل خصوصی‌سازی خدماتی مانند آموزش و بهداشت را شامل نمی‌شود. از این روی، خط فقر به‌اصطلاح "به‌روز شده" میزان فقر را دست کم می‌گیرد. نخبگان بر این نسبت فقر تخمینی - گویا رو به کاهش - انگشت می‌گذارند. شاخص جهانی گرسنگی نادرست بودن چنین تخمین‌زدن‌هایی از فقر را آشکار می‌کند.

## ادامه ادامه بن بست حکومت ولای و ضرورت ...

تأکید مکرر حزب توده ایران بر ضرورت متشکل شدن فعالان سیاسی در حزب‌های نزدیک به نظریاتشان، و مهم‌تر از آن، همکاری عملی و تبادل نظر میان حزب‌ها و سازمان‌های سیاسی، به‌دلیل این واقعیت عینی است که هیچ نیروی سیاسی به‌تنهایی نمی‌تواند مبارزه را به پیش و به سوی پیروزی ببرد. روشن است که حزب توده ایران به عنوان حزب طبقه کارگر ایران همه تلاش و امکانات خود را در راه ارتقاء و تقویت جنبش کارگری میهن ما به کار خواهد گرفت. جنبش اجتماعی-سیاسی والا و ارزنده "زن، زندگی، آزادی" در صورت برخورداری از دانش و تجربه فعالان سیاسی که ده‌ها سال است مبارزه را ادامه داده‌اند، می‌تواند میخ آخر را به تاپوت دیکتاتوری ولای بزند. از این راه است که تغییر توازن نیرو به سود نیروهای آزادی‌خواه و گذار از دیکتاتوری ولای حاکم ممکن می‌شود.

با ورود فداکارانه مردم به صحنه مبارزه سراسری، اکنون باید از یک سو این جنبش را، که به‌درستی در هم شکستن ساختارهای حکومت ولایت فقیه و ضدآرزش‌های ارتجاعی دینی آن را هدف قرار داده است، تحکیم کرد و تداوم بخشید، و از سوی دیگر، خواست‌های اجتماعی و اقتصادی عدالت‌جویانه ضرور را با شعارهای این جنبش مردمی تلفیق کرد. از راه تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری قطعا می‌توان به این روند یاری رساند. موفقیت در این امر مستلزم کار سیاسی حرفه‌ای و همکاری میان حزب‌های ترقی‌خواه و ملی بر پایه یک برنامه حداقل مشترک برای برانگیختن و گرد آوردن طیف وسیع قشرها و طبقات اجتماعی مخالف حکومت دیکتاتوری است.



سرانه دانه‌های غذایی به‌ازای هر فرد، نشانه‌ای از بدتر شدن استاندارد زندگی نیست، و در واقع استانداردهای زندگی بهبود یافته‌اند. این استدلال، اعلام می‌کند از آنچه در نگاه اول افزایش گرسنگی به‌نظر می‌رسد و این نتیجه‌گیری هم که فقر رو به‌افزایش می‌گذارد یکجا نامعقول و نادرست هستند، زیرا کاستن داوطلبانه از مصرف دانه‌های غذایی برآمد زندگی‌ای بهتر است. دولت هند و بانک جهانی ادعا می‌کنند که فقر نهنها رو به‌افزایش ندارد، بلکه کم‌تر هم می‌شود (اگرچه بانک جهانی به تازگی از افزایش فقر در طول همه‌گیری دم زده است).

تکرار می‌کنم، در مورد کاهش مصرف سرانه دانه‌های غذایی در هند بحثی نیست. همچنین در مورد کاهش دریافت سرانه کالری، با در نظر گرفتن مصرف مستقیم و غیرمستقیم (به ماده غذایی فرآوری شده، و خورک دام اشاره دارد) هم اختلاف نظری نیست. ناسازگاری و کشمکش واقعی برداشتی است که از این داده‌ها می‌شود. استدلالی می‌گوید که فقر رو به‌افزایش دارد، دیگری می‌گوید فقر رو به‌کاهش دارد. آیا این داده‌ها نشان‌دهنده فقر رو به‌افزایش است یا نشانه کاهش فقر به‌سبب مصرف غذاهای گوناگونی است که در آن‌ها از دانه‌های غذایی کم‌تری استفاده می‌شود؟ در این واقعیت که افزایش فقر باعث گرسنگی بیش‌تر می‌شود تردیدی نیست، پرسش این است که آیا وارونه این موضوع نیز صادق است؟ آیا کاهش مصرف دانه‌های غذایی می‌تواند دلیلی بر افزایش یا کاهش فقر باشد؟ شاخص جهانی گرسنگی در اینجا کارساز است.

اگر کاهش مصرف غذا نشانه بهبود وضعیت زندگی باشد پس باید انتظار داشته باشیم که کشورهای بیشتری که نرخ رشدی چشمگیر دارند در انتهای فهرست شاخص جهانی گرسنگی به هند بپیوندند. با این حال، وارونه این امر هم درست است. اجازه دهید به کشورهای که در جدول شاخص جهانی گرسنگی رتبه‌ای مشابه با هند (۱۰۷) دارند نظر افکنیم. در این جدول از رواندا (رتبه ۱۰۲)، نیجریه (۱۰۳)، اتیوپی (۱۰۴)، جمهوری کنگو (۱۰۵)، سودان (۱۰۶)، زامبیا (۱۰۸)، افغانستان (۱۰۹)، و تیمور شرقی (۱۱۰) نام برده می‌شود که همگی کشورهایی‌اند که اغلب سهمی از کشورهای فقیر جهان را تشکیل می‌دهند. بنابراین، جای گرفتن آن‌ها در انتهای جدول مایه شگفتی نیست. حال آنکه کشورهایی که عملکرد اقتصادی‌شان می‌تواند هم‌سنج‌پذیر با هند باشد، مانند چین، که نه به‌صورت جداگانه بلکه به‌صورت جمع رتبه‌بندی شده‌اند در صدر جدول قرار دارند. چین در بین ۱۷ کشور برتر جای گرفته شده است. شاخص گرسنگی آن کم‌تر از ۵ است که بسیار بهتر از ۲۹/۱ هند است.

واقعیت این است که حتی یک مورد از اقتصادهای به‌اصطلاح با رشد بالا در کنار هند وجود ندارد. این نشان‌دهنده تهی‌بودگی کامل استدلال‌های نولیبرالی است که می‌گوید چون مردم سلیقه و الگوی هزینه‌کردشان را تغییر داده‌اند- مانند اشتیاق بیشتر برای آموزش کودکان- یا به‌سبب کاهش "مشقت و طاقت‌فرسایی" کار در نتیجه صنعتی شدن، در تغذیه روزانه از دانه‌های غذایی کم‌تر استفاده می‌کنند. کاهش مشقت کار به‌دلیل صنعتی شدن یا به‌دلیل هزینه کردن برای آموزش فرزندان، ویژگی‌هایی نیستند که تنها به مردم هند ارتباط پیدا کند. چنین پدیده‌هایی جهانی‌اند. پس چرا هند به‌تنهایی باید در میان اقتصادهای با رشد بالا نزدیک به انتهای جدول این شاخص باشد؟

ممکن است استدلال شود که یکی از دلایل‌های این نابرابری انتخاب و نوع آموزش کودکان و مراقبت‌های بهداشتی در میان مردم است. اگرچه تمایل به دسترسی به آموزش و مراقبت بهداشتی مناسب می‌تواند خواست بیشتر مردم باشد، ولی دسترسی به این خدمات در هند گران‌تر است. درحالی که شاید در چین ارزان‌تر باشد. به‌همین دلیل در هند آن والدینی که فرزندان‌شان را به مراکز آموزشی گران‌تر می‌فرستند ممکن است به کاستن از مصرف غذای خود ناگزیر شوند. درحالی که در چین هزینه تحصیل در مدرسه کم‌تر است، پس برای آموزش کودکان نیازی به کاستن از مصرف غذا

## گرسنگی و فقر

شاخص جهانی گرسنگی سال ۱۴۰۱ (۲۰۲۲) چندی پیش منتشر شد که نشان می‌دهد هند میان ۱۲۱ کشوری که در این شاخص از آن‌ها نام برده شده‌اند در رتبه ۱۰۷ جای گرفته است (کشورهایی که گرسنگی در آن‌ها جدی نیست، از این شاخص کنار گذاشته شده‌اند). امتیاز هند در شاخص گرسنگی ۲۹/۱ است که از امتیازش در سال ۱۳۹۳ (۲۰۱۴) که ۲۸/۲ بود، بدتر است. (هرچه این رقم کم‌تر باشد میزان گرسنگی کم‌تر است). این روزها هیاهوی زیادی پیرامون هند که چگونه به یکی از اقتصادهای جهان با رشد شتابان یا در آستانه تبدیل شدن به اقتصادی ۵ تریلیون دلاری یا کشوری که به‌سوی تبدیل شدن به قدرت اقتصادی‌ای نوپا گام برمی‌دارد در عرصه جهانی به‌گوش می‌رسد، اما گزارش حاضر با واقعیت اکنون در هند بیشتر همخوانی دارد. جالب اینجا است که تنها کشوری که در جنوب آسیا از نظر شاخص گرسنگی پایین‌تر از هند است، و آن هم بسیار اندک، افغانستان جنگ‌زده است (رتبه ۱۰۹). رتبه کشور بحران‌زده سریلانکا ۶۴، نپال ۸۱، بنگلادش ۸۴، و پاکستان ۹۹ که همه آن‌ها شاخص گرسنگی کم‌تری را نشان می‌دهند.

با این حال، گزارش این نهاد نباید تعجب‌آور باشد. این واقعیت که گرسنگی در کشور جدی است و رو به‌رشد دارد از سوی کارشناسان زیادی گوشزد شده است. برای تهیه این گزارش از داده‌های سرانه دریافت کالری روزانه و دسترسی سالانه به دانه‌های غذایی استفاده شده است. کارشناسان تهیه‌کننده این گزارش می‌گویند از آنجایی که گرسنگی فزاینده نشانه فقر فزاینده است، استیلائی نولیبرالیسم نیز باید علت دیگری برای رشد فقر مطلق شناخته شود. این پیشنهاد در گذشته از سوی کمیسیون برنامه‌ریزی پذیرفته شده بود. داده‌های شاخص جهانی گرسنگی امسال با وجود رشد تولید ناخالص داخلی که بسیار ستوده شده، واقعیت گرسنگی رو به‌افزایش را نیز نشان داده است.

سند‌های موجود درباره افزایش گرسنگی در دوره اجرای سیاست‌های نولیبرالی تکان‌دهنده‌اند. در اینجا ما داده‌هایی را در نظر می‌گیریم که بر اساس بررسی دو بازه زمانی سال‌های ۱۳۷۲-۱۳۷۴ و ۱۳۹۰-۱۳۹۱ (۹۴-۱۹۹۳-۲۰۱۱) به‌دست آمده‌اند. در بازه نخست، داده‌های به‌دست آمده از "نمونه‌گیری از جمعیت در مقیاس وسیع" از سوی "پژوهش در نمونه‌گیری ملی" (بخشی از زیرمجموعه وزارت امار هند) که نزدیک‌ترین زمان به آغاز اجرای سیاست‌های نولیبرالی است، و بازه دوم آخرین داده‌های به‌دست آمده از "نمونه‌گیری از جمعیت در مقیاس وسیع" است که دولت انتشار داده است. ما از این گزارش‌هایی می‌بریم که در این دوره از اجرای سیاست‌های نولیبرالی نسبت جمعیتی که کم‌تر از ۲۲۰۰ کالری برای هر نفر در روز در روستاهای هند مصرف می‌شد از ۵۸ به ۶۸ درصد افزایش یافت. این نسبت در جمعیت شهری که ۲۱۰۰ کالری برای هر نفر در روز بود از ۵۷ به ۶۵ درصد افزایش یافت. افزون بر این، از امار به‌دست آمده از "نمونه‌گیری از جمعیت در مقیاس وسیع" در بازه زمانی ۱۳۹۶-۱۳۹۷ (۲۰۱۸-۲۰۱۷) گویا به‌قدری ناخوشایند و هولناک بود که دولت تصمیم گرفت از انتشار آن جلوگیری کند و "پژوهش نمونه‌گیری ملی" را وادار ساخت که روش‌های پژوهشی خود را به این بهانه که ناآرامی هستند کنار بگذارد. با وجود این، داده‌های فاش شده نشان می‌دهند که هزینه‌های واقعی سرانه برای روستاهای هند در کل بین سال‌های ۱۳۹۶-۱۳۹۷ (۲۰۱۸-۲۰۱۷) به مقدار ۹ درصد کاهش یافته‌اند.

با این حال، دیدگاه نبرومندی در میان بسیاری از پژوهشگران نولیبرال وجود دارد که تنها با وجود نشانه‌های افزایش گرسنگی، وضعیت زندگی مردم بهتر شده است. از این استدلال دو برداشت جداگانه می‌شود. یکی می‌گوید که به‌دلیل صنعت‌زایی و ماشینی شدن زندگی سختی کارورزی در طول زمان کاهش یافته است به‌طوری که زحمتکشان در این روزها به مقدار کالری پیشین نیاز ندارند. بر پایه این استدلال گفته می‌شود که آنان کم‌تر از گذشته برای غذا هزینه می‌کنند و پول‌شان را برای هدف‌های گوناگون دیگری به‌کار می‌گیرند. در برداشت دوم به کاسته شدن از وسعت کار طاقت‌فرسا اشاره نمی‌کند و می‌گوید که زحمتکشان ترجیح می‌دهند برای کالاهای اساسی‌ای مانند دانه‌های غذایی کم‌تر هزینه کنند و به‌جای آن درصد بیشتری از درآمدشان را برای خرید مواد غذایی پالایش شده‌تر و پیچیده‌تر از نظر نوآوری، و همچنین خدماتی مانند آموزش و مراقبت‌های بهداشتی مناسب‌تر برای فرزندان‌شان هزینه می‌کنند.

هر دو برداشت نولیبرالی از این استدلال بر این باورند که کاهش مصرف

## ادامه کنگره حزب کمونیست چین ...

توسعه یافته می‌توان بنا کرد. همان‌طور که دنگ شیائوپینگ گفت، قرار نبود سوسیالیسم جامعه‌ای دمخور با فقر باشد، بلکه جامعه‌ای باید باشد دمخور با رفاه و مردمی که با هم به پیش می‌روند.

مفهوم "اقتصاد بازار سوسیالیستی" یا "سوسیالیسم با ویژگی‌های چینی" از چنین آزمونی بیرون آمد. حزب کمونیست چین تشخیص داد که چین هنوز در "نخستین مرحله سوسیالیسم" قرار دارد. مرحله‌ای که به دلیل توسعه نیافتگی کشور می‌تواند مدت‌زمانی طولانی ادامه داشته باشد. اصلاحات و گشایش به طرز انکارناپذیر پیشرفت را به همراه داشته است. بیش از ۸۵۰ میلیون نفر از فقر درآمده‌اند و درآمد سرانه کنونی ۲۵ برابر بیش از درآمد سرانه هر فرد در سال ۱۳۵۷ (۱۹۷۸) است. رشد اقتصاد ملی از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۷ (۱۹۷۸ تا ۲۰۱۸) به‌طور متوسط ۱۰ درصد در سال (سه برابر میانگین این نرخ در ایالات متحده) بوده است و با در نظر گرفتن قدرت خرید مردم، چین در حال حاضر بزرگ‌ترین اقتصاد جهان است.

این کشور سرمایه و دانش فنی مورد نیاز برای پی‌ریزی اساس اقتصاد سوسیالیستی‌ای مدرن را با دستورکار اصلاحات به دست آورد، ولی همراه با موفقیت مشکلاتی نیز به وجود آمد که زاینده سیستم سرمایه‌داری است: نابرابری گسترده، ظهور مبارزات طبقاتی بین کارگران و کارفرمایان، و تخریب محیط زیست. مانع‌هایی در مسیر ایجاد دموکراسی سوسیالیستی‌ای کارآمد نیز وجود داشته است: میدان "تیان‌ان‌من" در سال ۱۳۶۸ (۱۹۸۹)، بی‌ثباتی‌های اخیر در هنگ‌کنگ، نگرانی در مورد حذف محدودیت در تعداد دوره‌های ریاست‌جمهوری، و پرسش‌هایی درباره تحولات در منطقه مسلمان‌نشین سین‌کیانگ.

## مسئله‌های مرتبط با دموکراسی و بازار سوسیالیستی

بسیاری از مفسران غربی بر انتخاب مجدد شی جین‌پینگ در این هفته و آنچه آنان "قدرت بدون پاسخگویی" در این انتخاب نامیدند و به‌سخره گرفتند تمرکز کردند و تا حد زیادی بقیه اقدام‌های کنگره بیستم حزب را نادیده گرفتند. واقعیت انکارناپذیر این است که شی جین‌پینگ همان‌کون از هر فرد دیگری در رهبری حزب بالاتر است و حتی کسانی که از سوسیالیسم چین حمایت می‌کنند نیز ممکن است تعجب کنند که بر سر رویکرد جمعی و همدستانی در مورد محدودیت‌های تعداد دوره‌های ریاست که از زمان دنگ شیائوپینگ حاکم بوده چه آمده است. انقلاب فرهنگی فاجعه‌بار مانو سه تونگ در سال‌های دهه ۱۳۴۰ (۱۹۶۰) که کشور را ده سال به هرج‌ومرج فرقه‌ای فرو برد موجب شد نسل‌های پیشین اعضای حزب کمونیست چین مصمم شوند دیگر هرگز به هیچ رهبر دیگری اجازه ندهند صاحب چنان قدرتی شود که مانو اعمال کرد. بحث درباره احتمال بروز چنین تمرکز قدرتی بی‌جهت در نمی‌گیرد.

برای نمونه، مسئله ترغیب اعضای حزب به حمایت از "موضع اصلی رفیق شی جین‌پینگ در کمیته مرکزی و تمامی حزب" بیش از پنج بار در قطعنامه نهایی کنگره بیستم و شش بار در بیانیه اصلاح اساسنامه حزب دیده می‌شود. افزون بر این، سهم ایدئولوژیک دبیرکل یعنی "اندیشه‌های شی جین‌پینگ در مورد سوسیالیسم با ویژگی‌های چینی در عصر نوین" ظاهراً باید "مارکسیسم در چین معاصر و قرن بیست‌ویکم" نامیده شود. باین همه و گذشته از نگرانی در مورد تمرکز بیش از حد قدرت، شاخص‌ترین نکته در مورد کنگره بیستم عزم حزب کمونیست چین در گشودن مرحله‌ای جدید در استراتژی اصلاحات اقتصادی است. شی جین‌پینگ با تکرار آمل دنگ شیائوپینگ درباره رفاه مشترک، به نمایندگان گفت: "سوسیالیسم، نیاز مادی نیست" او گفت چین برای فراوانی مادی و "توسعه کامل" تلاش خواهد کرد. او استدلال کرد که برای انجام این کار تعهد کشور به حفظ بازار سوسیالیستی ضروری است.

## ادامه همبستگی فعال جنبش کارگری کمونیستی ...

جمهوری اسلامی ایران، در زیر این ظاهر، مددکار وفادار منافع امپریالیستی بوده، با آمریکا توافق‌هایی کرده، از نیروهای ضدانقلابی در نیکاراگوئه حمایت کرده، و حتی در سرنگون کردن جمهوری دموکراتیک خلق افغانستان مشارکت فعال داشته است. ما بار دیگر بر حمایت خود از زحمتکشان ایران و از فراخوان رفقای حزب توده ایران به همه نیروهای مترقی و چپ ایران برای متحد شدن در یک جبهه ضد دیکتاتوری با هدف نهایی استقرار حکومت ملی-دموکراتیک به‌منظور برقراری آزادی، استقلال، و عدالت اجتماعی در ایران تأکید می‌کنیم.

## بیانیه سازمان سری لانکایی "زنان مدافع حقوق"

در همبستگی با زنان ایران  
۲۵ اکتبر ۲۰۲۲ [۳ آبان ۱۴۰۱]

سازمان "زنان مدافع حقوق" در سری لانکا وضعیتی را که زنان ایرانی طی سال‌ها داشته‌اند، و همچنین مرگ مهسا امینی، زن جوان ۲۲ ساله‌ای را که روز ۱۳ سپتامبر به اصطلاح "پلیس امنیت اخلاقی" او را به جرم بدحجابی بازداشت کرد، دنبال کرده است. [به قرار اطلاع] چند ساعت پس از بازداشت مهسا، او به شدت بیمار و در بیمارستان بستری شده بود. در روز ۱۶ سپتامبر، اعلام شد که مهسا در بیمارستان فوت شده است. به گفته بستگان مهسا، او پیش از آنکه بازداشت شود، وضعیت سلامت خوبی داشته است. گمان می‌رود که او را در زمانی که در بازداشت به اصطلاح "پلیس امنیت اخلاقی" بوده است، کتک زده باشند. پیش از هر چیز، ما دستگیری غیرمنطقی مهسا امینی و رفتار غیرانسانی او را که باعث مرگش شده است محکوم می‌کنیم.

بحران اقتصادی‌ای که اکثریت قریب به اتفاق کشورهای جهان را در بر گرفته است به زندگی طبقه کارگر و زحمتکشان، فارغ از قومیت، سن، و جنسیت آنها، آسیب رسانده است. با این حال، در اکثر کشورها، به دلیل هنجارهای اجتماعی حاکم، موانع اخلاقی، مردسالاری، و همچنین مقررات مذهبی، و در بیشتر کشورهای اسلامی به دلیل هنجارهای مذهبی‌ای که دولت‌ها در قوانین کشور گنجانده‌اند، زنان متحمل رنج و آسیب بیشتری‌اند. به نظر ما، هر زن و مردی در این دنیا باید آزادی تصمیم‌گیری درباره بدن خود و زندگی خود داشته باشند، به شرط آنکه مانع و ناقض حقوق و بهروزی فرد دیگری نباشد. حجاب پوششی است که زنان مسلمان می‌پوشند، اما پوشیدن آن باید به انتخاب خودشان باشد. حجاب اجباری چیزی جز محدود کردن آزادی زنان نیست. زنان باید حق تصمیم‌گیری در مورد زندگی خود داشته باشند. زنان نیز مانند مردان همسن و بالغ خود قادر به چنین تصمیم‌گیری‌ای هستند. چیزی که هر حکومتی باید تضمین کند این است که زنان، به‌عنوان انسان، به آموزش مناسب و برابر [با مردان] و همچنین به فرصت‌هایی برابر برای توسعه و رشد مهارت‌های خود دسترسی داشته باشند. ما با مبارزه زنان ایران برای حفظ عزت و کرامت خود، و برای تحقق برابری و عدالت، قاطعانه ابراز همبستگی می‌کنیم.

اطلاع داریم که بسیاری از گروه‌های مترقی در ایران برای دادخواهی در مورد مرگ مهسا امینی و همچنین برای تحقق خواست آزادی و برابری برای زنان، دست به دست یکدیگر داده‌اند. درود صمیمانه ما به همه جوانان و نوجوانانی که با خواست تغییر واقعی در ایران مبارزه می‌کنند. ما از مبارزه مردم ایران حمایت می‌کنیم و از رئیس‌جمهور و دولت ایران می‌خواهیم که خواست‌های مردم را برآورده کنند. همچنین، از دولت ایران می‌خواهیم که بدون ظلم و ستم به زنان، حق آنان در تصمیم‌گیری در مورد زندگی‌شان را رعایت کند. ما همچنین هرگونه تلاش آمریکا و امپریالیست‌های متحد آن را برای سوءاستفاده از مرگ مهسا امینی، با هدف بی‌ثبات کردن کشور ایران به‌خاطر منافع تنگ‌نظرانه امپریالیستی خود، محکوم می‌کنیم. ما اعمال خشونت علیه مردمی که برای آرمانی عادلانه مبارزه می‌کنند، و نیز حبس‌های ناعادلانه معترضان را به شدت محکوم می‌کنیم. به خانواده‌ها و دوستان آنهايي که جان خود را در راه مبارزه فدا کردند تسلیت می‌گوییم و برای مجروحان آرزوی بهبودی سریع داریم. ما دروهای رفیقانه خود را به تشکیلات دموکراتیک زنان ایران می‌فرستیم. همچنین، از همه سازمان‌های مترقی در سراسر جهان می‌خواهیم که از مبارزه مردم ایران برای مطالبه حقوق خود و برای تحقق عدالت حمایت و با آن اعلام همبستگی کنند.

با احترام‌های رفیقانه،  
سامانمالی گوناسینگه،  
دبیر "زنان مدافع حقوق" سری لانکا



## کنگره حزب کمونیست چین اعلام کرد: چین از این پس کانون نیروی کار ارزان برای جهان سرمایه‌داری نخواهد بود

نوشته سی جی اتکینز - نشریه دنیای مردم - ۲۶ اکتبر ۲۰۲۲

شی جین پینگ در بیستمین کنگره حزب کمونیست چین که در هفته گذشته برگزار شد، به طور بی سابقه برای سومین بار به مقام دبیرکل حزب کمونیست چین انتخاب شد تا برای آینده پیش‌بینی شده‌ای رهبری حزب حاکم چین را بر عهده گیرد. این تنها خبری است که رسانه‌های غربی از این نشست که از ۲۴ تا ۳۰ مهرماه ۱۴۰۱ (۱۶ تا ۲۲ اکتبر) برگزار شد پخش کردند. ولی انتخاب رهبری حزب در این کنگره که هر پنج سال انجام می‌گیرد فقط یکی از جنبه‌های این نشست است. تصمیم‌های گرفته شده از سوی دو هزار نماینده این کنگره دربارهٔ مرحلهٔ بعدی اصلاحات اقتصادی کشور و عزم آنان به ایجاد سیستم مشارکتی‌ای جهانی از سوی چین برای جایگزین کردن سلطهٔ ایالات متحده با این سیستم احتمالاً برای جهان اهمیتی بیشتر دارد. اگر هدف‌های حزب کمونیست چین محقق شوند، چین دیگر کانون عرضهٔ نیروی کار ارزان قیمت برای سرمایه‌داری جهانی نخواهد بود و این کشور به سمت اقتصادی متمرکز بر ارزشی بالاتر و رشد داخلی‌ای متمرکز حرکت خواهد کرد. بر اساس بیانیهٔ نهایی کنگره، دستیابی به پیشرفت در راستای "الگوی جدید توسعه" بر اساس "ترویج توسعه با کیفیت بالا"، دستیابی به استقلال و توان بیشتر در علم و فناوری ... و ایجاد اقتصادی مدرن هدف‌های اصلی کشور هستند.

هنوز جای پیشرفت در بسیاری از زمینه‌ها را دارد. بیشتر کشورهای توسعه‌یافته میزان ۱۳ تا ۲۵ درصد از هزینه‌های پژوهشی و توسعه‌ای‌شان را به تحقیقات پایه اختصاص می‌دهند. در چین این میزان از هزینه کمی بیش از ۶ درصد است. لیو هوفینگ، پژوهشگر آکادمی علوم و فناوری چین، اخیراً گفته است: "ما هنوز با کمبودی بزرگ مواجهیم." شی در نخستین روز برگزاری کنگره بیستم حزب در سخنرانی افتتاحیه آن گفت که فاصله گرفتن از رشد صادرات‌محور و حرکت به سوی بخش‌های پیشرفته‌تر اقتصادی و کاستن از نابرابری در دستیابی به "رفاه عمومی" باید از ویژگی‌های مرحلهٔ بعدی "جوان‌سازی" چین باشد و این کار به معنی گام برداشتن در راه سوسیالیستی است.

### هدف مرحله بعدی اصلاحات اقتصادی، افزایش رشد داخلی خواهد بود "مارکسیسم کارآمد است"

نمایندگان کنگره بیستم با به کنار نهادن مخالفانی که پیروی حزب کمونیست چین از سوسیالیسم را تبلیغاتی می‌دانند، بیانیه‌ای صادر و اعلام کردند: "با آموختن از تجربه... ما موفقیت حزب و سوسیالیسم [در چین] را مدیون این واقعیت هستیم که مارکسیسم تأثیرگذار بوده است." کنگره اعلام کرد حزب کمونیست چین تنها با ترکیب مارکسیسم با واقعیت و فرهنگ مادی چین و "به‌کارگیری ماتریالیسم دیالکتیکی و تاریخی" است که می‌تواند برای رویارویی با چالش‌های پیش روی چین برنامه‌ریزی کند.

تلاش در انجام این امر که از سال ۱۳۵۷ (۱۹۷۸) و با "اصلاحات اقتصادی و گشایش سیاسی" از سوی رهبر وقت حزب، دنگ شیائوپینگ، آغاز شد حکایتی دقیق از چین معاصر است. دولت وقت با الهام گرفتن از "سیاست‌های نو اقتصادی" لنین (نپ-NEP) در سال‌های دههٔ ۱۲۹۹ (۱۹۲۰) و ترکیب آن با شرایط چین اصلاحات در صنایع دولتی، آزادسازی کشاورزی، و جذب سرمایه‌گذاری خارجی در مناطق آزاد تجاری را آغاز کرد تا به سرمایه و فناوری‌ای که کشور فاقد آن‌ها بود دسترسی پیدا کند. هدف همهٔ این رویکردها ایجاد نیروهای مولد و بالا بردن سطح زندگی کارگران در راستای دیدگاه ماتریالیسم تاریخی بود که بنا بر آن، سوسیالیسم را فقط بر اساس اقتصاد مدرن و

### سوسیالیسم در مصاف سرمایه‌داری

آمار تهیه و توزیع کالا نشان می‌دهند که این حرکت هم‌اکنون در حال انجام گرفتن است. نرخ دستمزدها در چین در چند سال گذشته به‌میزانی چشمگیر افزایش یافته و حتی دو برابر شده است. حتی پیش از همه‌گیری کرونا تعدادی از صنایع صادراتی کم‌هزینه که زمانی مناطق آزاد تجاری جنوبی چین را تشکیل می‌دادند مهاجرت به کشورهای دیگر را آغاز کرده بودند زیرا سرمایه‌های خارجی در پی سود بیشتر در نقاط دیگر هستند. از سال ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۱ (۲۰۱۶ تا ۲۰۲۲)، سهم جهانی چین از صادرات پوشاک، میلان، کفش، چمدان، و کیف کاهش یافت. درحالی که وال‌استریت ژورنال و نشریه‌های خبری مالی این تغییر جهت را شکستی سیاسی و از دست دادن "سلطهٔ چین بر تولید و صادرات" نشان می‌دادند. واقعیت امر این بوده است که هدف حزب کمونیست چین هرگز این نبوده است که چین برای همیشه در پایین‌ترین سطح اقتصاد جهان بماند. روی گرداندن از تولید کالاهای ارزان قیمت با دستمزدهای پایین و پایان دادن به نابرابری دستمزدها همیشه بخشی از برنامهٔ بلندمدت چین بوده‌اند. وانگ ژیکانگ، وزیر علوم و فناوری چین، در ماه‌های خرداد و تیر (ژوئن) گذشته گفت: "در دههٔ گذشته فعالیت‌های علمی و فناوری چین دستخوش تغییرهای ساختاری‌ای تاریخی شده‌اند. ما به ردهٔ کشورهای نوآور وارد شده‌ایم." امارهای موجود ادعای او را تأیید می‌کنند. چین از رتبه ۳۴ در ده سال پیش، به رتبه دوازدهم در شاخص جهانی نوآوری رسیده است.

حزب کمونیست چین در هجدهمین کنگره‌اش در سال ۱۳۹۱ (۲۰۱۲)، توسعه علمی و فناوری را در مرکز دستورکار خود قرار داد و در مقام حزب حاکم، منابعی را برای انجام آن اختصاص داد. ده سال پس از آن کنگره هزینه‌های پژوهش و توسعه چین چنان رشدی کرد که پس از ایالات متحده بالاترین حجم را پیدا کرد و از مبلغ ۱۵۳ میلیارد دلار به ۴۱۴ میلیارد دلار رسید. شرکت‌های فناوری چینی درحال حاضر با شرکت‌های فناوری دیگر نقاط جهان به‌ویژه در زمینهٔ ارتباطات رقابت می‌کنند، همان‌طور که با راه‌اندازی نخستین شبکه‌های "گ ۵" (5G) در چین و سپس در سراسر جهان نشان داده شد، چین در زمینه‌های علمی‌ای دیگر مانند شیمی، علم مواد و فیزیک نیز در صدر قرار دارد، اگرچه

ادامه در صفحه ۱۵

### کمک مالی رسیده

۵۰ دلار

کمک مالی سیروس برای جنبش

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس‌های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

آدرس پستی:

<http://www.tudehpartyiran.org>

آدرس‌های اینترنت و «ای-میل»

E-Mail: [dabirkhaneh\\_hti@yahoo.de](mailto:dabirkhaneh_hti@yahoo.de)

**Nameh Mardom No. 1168**  
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

7 November 2022

شمارهٔ فاکس و تلفن  
پیام گیر ما

004930  
23629727

